



شبکه ملی
تولید کنندگان
محتوای تبلیغی

محتوای تبلیغی

فهرست مطالب:
- خورشید در آغوش شب
- عبور از سیم خاردار نفس
- صبر و استقامت زنان منتظر
- سکوت؛ شریک جرم
- مادران منتظر؛ معماران نسل ظهور

قرارگاه جنگ ترکیبی بلاغ مبین
مجمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
شبکه ملی تولید کنندگان محتوای تبلیغی
مؤسسه فرهنگی تبلیغی بشری

بانوی منتظر

مهدی یآوری به سبک زنانه



بانوی منتظر

مهدی یاوری به سبک زنانه



مجمع جهانی گنجینه‌های ملی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

شبکه ملی
تولیدکنندگان
محتوای تبلیغی

مجموعه

• بانوی منتظر •

• مهدی‌ی‌آوری به سبک زنانه •

• کاری از: موسسه فرهنگی تبلیغی بشری •

• پژوهشگران: افسانه دهقانی‌پور، سیده فاطمه میرعزآبادی آبادی، افسانه جعفری •

گلویک، فرح خلفی‌زاده و سیده طاهره رشته‌احمدی •

• ویراستاران: معصومه بدخشان و حسین حبیبی فهیم •

• مدیر هنری: محمدصادق صالحی •

• چاپ: اول / زمستان ۱۴۰۴ •

• شابک: ۹۷۸-۹۶۴۴۴۴۴۴ •

• قیمت: ۱۱۰,۰۰۰ تومان •

• به سفارش: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، کمیته محتوایی قرارگاه جنگ ترکیبی بلاغ مبین •



فهرست

جلسه اول

خورشید در آغوش شب	۹
چشم‌انتظاری	۱۱
چرا غیبت؟	۱۳
خورشید پشت ابر	۱۴
منبع امنیت و آرامش	۱۴
هادی پنهان	۱۵
مرکز امید	۱۵
ما منتظر عزیز غایب از نظر هستیم	۱۶
انتظار یعنی امید، نه تعطیلی و رها کردن امور	۱۷
بانوی خانه، منبع پرورش امید	۲۰
«عینک قدرت» به چشم بزنیم	۲۰
بیان پیشرفت‌های علمی امیدآفرین	۲۲
نگاهی به موفقیت‌های دکتر حقیرالسادات در اروپا	۲۲
مقابله با یأس در دوره‌های فامیلی	۲۳
امید، سگان کشتی ملت	۲۵
امید، موتور حرکت چرخ زندگی	۲۶
هفت بار رفت، چون ناامید نشد	۲۷
نتیجه‌گیری	۲۷

جلسه دوم

عبور از سیم خاردار نفّس	۲۹
--------------------------------	----

زنان پاکدامن	۳۱
نرجس خاتون علیها السلام ، مظهر ایمان و بندگی خالص	۳۱
اصلاح خود، شرط انتظار واقعی	۳۳
خودسازی، رسالت بانوان منتظر	۳۴
زن، سازندهٔ انسان	۳۵
پیوند خودسازی و ظهور	۳۶
راهکارهایی برای خودسازی	۳۶
۱. عمل به واجبات و ترک محرمات	۳۶
۲. ذکر و یاد خداوند	۴۱
۳. رهایی از بندگی غیر خدا	۴۳
رسالت مادر این زمان	۴۳
نماز، مصداق مهم ذکر خدا	۴۴
نماز شب، معجزه آرامش در دل طوفان	۴۵
بانوان، افسران جنگ اقتصادی	۴۶
دفترچه راهنمای عملی «بانوی خانه انتظار»	۴۷
۱. صبح: نیت «نصرت»	۴۷
۲. ظهر: جهاد «زبان»	۴۷
۳. عصر: بازسازی «فکر»	۴۷
۴. شب: بارگاه «قبول»	۴۸

جلسه سوم

صبر و استقامت زنان منتظر	۴۹
زینب علیها السلام ، پرچم دار ایستادگی	۵۱
قانون جاودانه تاریخ	۵۲
مادران شهدا، کوه استقامت	۵۳
صبر و استقامت زنان منتظر	۵۵
زنان، ستون‌های خیمه مقاومت	۵۶
الگویی به نام «اُمّ‌عماد»	۵۶
مقاومت اعتقادی	۵۷
آرایشگری که با صبرش بهشتی شد!	۵۷
شگفت‌انگیزترین مؤمنان تاریخ	۵۸

هدف‌گیری قلبِ جامعه	۵۹
پایداری در روزگار غیبت	۵۹
مقاومتِ اقتصادی	۶۰
از یمن تا فلسطین، زنانِ مقاوم	۶۱
خانه‌نشینی یا رهاکردن کانون خانواده؟	۶۱
مدیریتِ خانه، عقل معاشی یک بانوی منتظر	۶۲
پدافندِ غیرعامل در برابر «نیازهای کاذب»	۶۳
ضد حمله به «فرهنگِ مصرف‌زدگی»	۶۳
ثمرهٔ مقاومت	۶۴
۱. پیروزی و سربلندی دائمی	۶۴
۲. چشیدن طعم واقعی ایمان	۶۵
۳. رسیدن به مقام «رضا»	۶۵
راهکار مقاومت	۶۶
۱. ذائقه‌شناسی و مدیریت ورودی‌های ذهن	۶۶
۲. تقویت بنیان‌های خانواده با الگوهای زنده	۶۷
تداوم مقاومت	۶۸
۱. یادآوری مدام «چرایی» مسیر	۶۸
۲. تشکیل گروه‌های «همیار مقاومت»	۶۹
۳. عهد «صبوری پنج دقیقه‌ای» در خانه	۶۹

..... جلسه چهارم

سکوت؛ شریک جرم	۷۱
داستان عجیب اصحابِ شنبِت	۷۳
سکوت؛ جرم نامرئی	۷۴
وظیفهٔ مادر عصر ظهور و پیوند بانصرت الهی	۷۵
جایگاه امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن	۷۶
شرط یاری خدا چیست؟	۷۶
چرا ما بهترین امت هستیم؟	۷۶
عظمت فریضه در آینهٔ روایات	۷۷
تمثیل کشتی و سرنوشت مشترک	۷۸
بهترین مردم از نظر پیامبر ﷺ	۷۸

عواقب تلخ ترک واجب فراموش شده	۷۹
از کجا شروع کنیم؟ خودمان	۸۳
مراحل و شروط (چگونه تذکر بدهیم؟)	۸۷
شروط طلایی برای اثرگذاری	۸۹
نتیجه‌گیری و میثاق مهدوی	۹۰

..... جلسه پنجم

مادران منتظر؛ معماران نسل ظهور	۹۳
آرزوی شهید	۹۵
مادران منتظرپرور	۹۶
نسل مهدوی یعنی چه؟	۹۷
دغدغه مادران	۹۸
لشکر صاحب‌الزمان	۹۸
نسل‌کشی مدرن	۱۰۰
نقشه شوم برژینسکی برای خانه‌های ما	۱۰۱
آثار تربیت نسل مهدوی	۱۰۲
اصول تربیتی نسل مهدوی	۱۰۳



مقدمه

انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آخرین نجات بخش آل محمد باوری است که قلب شیعیان را هر لحظه امیدوار می سازد. این باور چراغی است که تاریکی های زندگی را روشنی می بخشد و به ما یادآوری می کند مردی از تبار کمال، مزین به حُسن جمال و رفتار روزی به عدالت به پا می خیزد و بساط جور را بر خواهد چید. اما کی؟ خدا زمانش را می داند.

شاید این جمعه بیاید شاید

پرده از چهره گشاید شاید

اما در این روزگار انتظار، من به عنوان یک زن، مادر، یا همسر که مدعی منتظر هستم وظیفه ام چیست؟ آیا اینکه چشم به راه بدوزم و جمعه به جمعه دعای ندبه بخوانم کافی است؟

این مجموعه سخنرانی پنج جلسه ای بیانگر راه هایی برای بانوانی است که دغدغه شان این است که مسیر رسیدن به دنیای سراسر عدالت و مهدوی را میسر سازند از جمله تقوا و خودسازی و صبر و استقامت در برابر سختی ها، تربیت نسل صالح و امر به معروف و نهی از منکر.

امید است که هر صفحه نوری باشد، روشنگر راه بانوان منتظر. چراکه بانوی منتظر، ستون امید خانواده است و نماد ایمان در جامعه.

و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، همان آتش امیدی است که در قلب هر زن مسلمان زنده می ماند و منتظر روز فرج است.



جلسه اول

خورشید در آغوش شب

(نقش بانوان در مدیریت امید و زمینه سازی ظهور)







اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِیْ ضَمِنَهٗ

چشم‌انتظاری

بانوای بزرگوار و مادران گران‌قدر! همیشه ورود یک عضو جدید به کانون خانواده، لحظه‌ای است که با ترکیبی از شور و شادی و اضطراب همراه است. در آن روزهای پایانی که مادر برای تولد فرزندش لحظه‌شماری می‌کند، بیش از هر زمان دیگری به مراقبت و همراهی نیاز دارد. در این میان، حال و هوای پدرها نیز تماشایی است. پدری مضطرب که در هنگام تولد نوزادش، با دلهره، چشم‌انتظار حضور کسی است تا با کلامی گرم، قلبش را آرام کند. این لحظات برای خانواده‌ها بسیار مهم و حساس است.

اما بیایید نگاهی به تاریخ بیندازیم؛ به نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در شهر سامراء، زمان تولد حضرت صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشريف که خانه امام حسن عسکری علیه السلام شرایطی متفاوت با تمام خانه‌ها داشت. آنجا علاوه بر دلهره‌های معمولی تولد نوزاد، سایه سنگین دشمنی غدار بر سر اهل بیت علیهم السلام بود؛ دشمنانی که سال‌ها در کمین بودند تا این نوزاد موعود را پیدا کنند. جاسوسان حکومتی، آن خانه را از ابتدای ازدواج حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و نرجس‌خاتون علیها السلام زیر نظر داشتند تا بتوانند نشانه‌ای از بارداری حضرت را تشخیص دهند. در آن غربت جانکاه، بارداری باید در نهایت خفا طی می‌شد؛ وضعیتی که حتی تصور آن، بند دل هر مادری را پاره می‌کند.

در چنین بزنگاهِ خطیری، پرسشی تأمل‌برانگیز مطرح می‌شود: آیا امام حسن عسکری علیه السلام نیز همچون پدرانِ دیگر، دچار اضطراب و پریشانی گشتند؟ پاسخ قطعاً منفی است. امام، مظهرِ «سکینه‌الهی» است؛ چراکه ایمانشان به وعدهٔ پروردگار، خلل ناپذیر بود. امام می‌دانستند که این نوزاد، ذخیرهٔ حق و بقیه‌الله است و خداوند، خود حافظِ اوست.

حکیمه خاتون علیها السلام می‌گوید:

در شب نیمهٔ شعبان، امام حسن عسکری علیه السلام مرا خواست و فرمود: «عمه جان! امشب نیمهٔ شعبان است؛ نزد ما افطار کن که خداوند در این شب فرخنده، کسی را به وجود می‌آورد که حجت او در روی زمین می‌باشد.» عرض کردم: مادر این نوزاد مبارک کیست؟ فرمود: «نرجس». گفتم: فدایت گردم! اثری از بارداری در نرجس خاتون نیست. فرمود: «همین است که می‌گویم».

پس سحرگاه برای ادای نماز شب برخاستم. دیدم از وضع حمل نرجس خاتون خبری نیست. مشغول نماز شب شدم. نماز را خوانده و از اتاق بیرون رفتم. به آسمان نگاه کردم؛ دیدم طلوع فجر است؛ اما هنوز اثری از فرزند نیست. در آن حال دربارهٔ وعدهٔ امام تردید کردم، که ناگهان حضرت از جایی که تشریف داشتند، با صدای بلند مرا صدا زده، فرمودند: «عمه جان! حیرت مکن که وقت نزدیک است!» چون صدای امام را شنیدم، شروع به خواندن سورهٔ «الم سجده» و «یس» نمودم. در این وقت، نرجس خاتون با حال مضطرب از خواب برخاست. من به وی نزدیک شدم و نام خدا را بر زبان جاری کردم و پرسیدم: آیا احساس خاصی داری؟ گفت: آری. گفتم: ناراحت نباش و دل قوی دار! این همان مژده‌ای است که به تو دادم. اندکی بعد نوزادی متولد شد و روی زمین با اعضای هفت‌گانه، خدا را سجده کرد. در این هنگام، امام حسن عسکری علیه السلام مرا صدا زد که فرزندم را بیاور! چون نوزاد را نزد پدر بزرگوارش بردم، امام او را به سینهٔ مبارک چسباند و سپس فرمود: «فرزندم! با

من حرف بزن!» آن مولود مسعود گفت: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ».^۱ آن گاه بر امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین (علیهم السلام) درود فرستاد و چون به نام پدرش رسید، دیدگان گشود و سلام کرد.

این مولود مبارک همان طور که تولد مخفیانه داشت، زندگی اش هم براساس دستور الهی مخفی بود. ایشان در سن پنج سالگی که به امامت رسیدند، دوران غیبتشان آغاز شد.

چرا غیبت؟

بنابر آموزه های شیعه، امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دو غیبت دارد: یکی غیبت صغری که ۶۹ سال طول کشید و دیگری غیبت کبری که تا زمان ظهور آن حضرت ادامه خواهد داشت. به باور شیعیان، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دوران غیبت صغری از طریق افرادی با شیعیان در ارتباط بود که به آن ها «نواب اربعه» می گویند. اما در دوران غیبت کبری ارتباط ظاهری امام با مردم قطع گردیده و شیعیان برای امور دینی باید به راویان حدیث و عالمان شیعه مراجعه کنند.^۲

علت غیبت حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از اسرار الهی است؛ ولی از روایات می توان استفاده کرد که خداوند متعال اراده فرموده تا گسترش عدالت و توحید را در سطح جهان به وسیله او قرار دهد و این آرزوی بزرگ پس از گذشت مدت زمان معینی محقق خواهد شد.

یکی از دلایل غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جلوگیری از کشته شدن پیش از تحقق آن هدف بزرگ می باشد. همچنین نوعی آزمایش و امتحان مردم در عصر غیبت نیز هست. امام کاظم (علیه السلام) درباره امام دوازدهم روایتی دارند که در بخشی از آن، علت غیبت را این گونه بیان فرموده اند:

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۳۱.

۲. برگرفته از: صدر، تاریخ الغیبة الصغری، ص ۳۳۹-۳۴۲.

«لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ عَيْتَةٍ وَلَا بُدَّ لَهُ فِي عَيْتِهِ مِنْ عَزْلَةٍ وَ نِعَمِ الْمَنْزِلِ طَيِّبَةٍ وَ مَا يَتَلَاثِنَ مِنْ وَحْشَةٍ»^۱ همانا برای صاحب امر، غیبتی است تا اینکه کسانی که قائل به آن بوده‌اند، از این امر برمی‌گردند. همانا آن آزمایشی از جانب خداست که خداوند به سبب آن، بندگان و خلق خود را می‌آزماید.

خورشید پشت ابر

بسیاری می‌پرسند: امامی که غایب است، چه سودی برای امروز من دارد؟! غیبت امام عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به معنای کناره‌گیری و قطع ارتباط نیست. حضرت، همواره در میان ما و ناظر بر اعمال ما هستند. امام مانند «خورشید پشت ابر» است. همان‌طور که خورشید حتی وقتی پشت ابرها پنهان است، فواید حیات‌بخش خود (گرمای، نور و انرژی) را به زمین می‌رساند، وجود مقدس امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز منشأ خیر و برکات زیر است:

منبع امنیت و آرامش

حضور معنوی ایشان، امان و لنگرگاه ثبات برای جهان و امنیت‌بخش جهان است. وقتی در مشکلات زندگی حس می‌کنید که پشتیبانی محکم همچون کوه حامی شماست، این همان اثر وضعی وجود امام است. خواهر من! وقتی در زندگی با مشکلی روبه‌رو می‌شوی مثلاً فرزندت دچار بیماری می‌شود یا با همسرت اختلافی پیدا می‌کنی و آرامشت را از دست می‌دهی، مبادا ناامید شوی و فکر کنی هیچ‌کس نیست که به یاد تو باشد و به تو کمک کند. عزیز من! بدان و مطمئن باش که ما امام و صاحبی داریم که تک‌تک ما را می‌شناسد و از همه دردهای ما آگاه است و بسیار عاشق ماست. او منبع آرامش توست. به یادش باش و از او کمک بخواه و آرام شو.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۶.

هادی پنهان

چند بار در زندگی‌تان، در اوج ناامیدی، گریه به طور معجزه‌آسا باز شده؟ یا هدایتی درونی، شما را از مسیری غلط بازداشته است؟ بسیاری از این گره‌گشایی‌های عجیب، دستِ لطف همان «هادی پنهان» است که ما را به اسم می‌شناسد؛ حتی اگر ما او را نشناسیم. دختر حضرت آیت‌الله اراکی رحمته‌الله تعریف می‌کنند که چگونه در سفر حج تمتع با توسل به امام‌زمان عجل‌الله‌فرجه‌الشریف و ذکر، در ازدحام شدید حج دچار سختی نشدند. ایشان می‌گویند: وقتی آقا را صدا زدیم، ناگهان دیدم آقای بزرگواری پیش روی من راه می‌رود و من در پناه حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌فرجه‌الشریف طواف را به آسانی انجام دادم و از لطف الهی بهره‌مند شدم.^۱

مرکز امید

دانستن اینکه «او هست و می‌بیند»، بزرگ‌ترین درمان یأس و افسردگی است. این امید است که شیعه را از پیچ‌وخم‌های سهمگین تاریخ عبور داده است. چهل سال است دشمنان ما در آمریکا و انگلیس و فرانسه و اسرائیل آرزو دارند که چراغ این مملکت را خاموش کنند؛ دین اسلام و فرهنگ و ارزش‌های ایران را نابود کنند؛ حرم‌ها و مساجد را تعطیل کنند و به گفته خودشان «اگر ما امید ملت ایران را به امام دوازدهم‌شان که انتظار دارند بیاید و پرچم کفر را سرنگون کند، بگیریم، وجود ملت ایران را از درون پوک کرده‌ایم و دیگر فروریختن آن‌ها آسان است».

عزیزان من! شما در جنگ ۱۲ روزه و قضایای اخیر دیدید چه جنایت‌هایی که نکردند تا ایران را نابود کنند؛ ولی ملت با ایمان ما با اتحاد و همدلی که همه ناشی از پرتو وجود حضرت ولی‌عصر و سایه ولایت است، توانست نقشه نابودی ایران را خنثی کند و امسال هم مثل سال‌های گذشته، با برپایی این

جشن میلاد بزرگ، نور امید را در دل‌مان پررنگ‌تر کرده، به خودمان یادآوری می‌کنیم که ما تنها نیستیم؛ خورشید هست؛ فقط باید راهی برای ارتباط نور آن با قلب خود بیابیم. امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف غایب است، اما «غایب‌ازنظر» است، نه «غایب‌ازاثر». ایشان در همین کوچه‌ها و خیابان‌ها، در میان ما و ناظر بر احوال ماست.

ما منتظر عزیز غایب‌ازنظر هستیم

خواهران عزیز و عاشقان مولا صاحب‌الزمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف همه ما منتظریم که این دوران غیبت امام‌مان پایان یابد و روز موعود فرا رسد و چشم ما به جمال نورانی صاحب‌الزمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف روشن شود. ان شاء الله.

عزیزان! انتظار مسئله‌ای است که از ابتدا برای همه عاشقان و شیعیان مهم بوده است. در این چند جلسه نورانی می‌خواهیم قدری به این موضوع بپردازیم و ببینیم انتظار یعنی چه و وظیفه منتظران در این برهه از زمان چیست؟

همه مردم در انتظار منجی‌اند تا روزی در پایان روزگار، عدالت را جایگزین ظلم کند. بحث انتظار موعود در اسلام، از زمان پیامبر صلی‌الله علیه و آله مطرح بوده است و حضرت، فضیلت و جایگاه آن را در روایات بسیاری بیان فرموده‌اند. این باور، تنها در اسلام نیست؛ بلکه همه ادیان توحیدی به ظهور نجات‌دهنده‌ای در آخرالزمان اعتقاد دارند که بساط ظلم و فساد را بر خواهد چید.

پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله فرمودند: «وَلَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لَبَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا»؛^۱ اگر از عمر دنیا فقط یک روز مانده باشد، خدا آن روز را طولانی می‌کند تا مردی از خاندان من قیام کند و زمین را که پر از ظلم شده، از عدل و داد پر کند.

۱. متقی‌هندی، کنز العمال، ج ۳۸۶۷۵.

انتظار یعنی امید، نه تعطیلی و رهاکردن امور

خیلی از ما فکر می‌کنیم انتظار یعنی نارضایتی از وضع موجود و دست روی دست گذاشتن تا معجزه‌ای شود. اما در فرهنگ شیعه، انتظار یعنی «امید فعال».

مادری را تصور کنید که فرزندش بیمار است. او فقط منتظر نمی‌ماند تا معجزه‌ای شود؛ بلکه با تمام وجود به دنبال دارو و درمان می‌رود؛ چون «امید به بهبودی» به او جرئت حرکت می‌دهد. انتظار منجی هم دقیقاً یعنی همین؛ یعنی چون می‌دانیم پایان این شب سیاه، سپید است، امروز با انرژی بیشتری سکان زندگی و خانواده را به دست می‌گیریم.

همه به امید این آیه قرآن هستیم که می‌فرماید: «وَرُبُّدُ أَنْ تَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱. سهم ما بانوان در این مسیر، زنده نگه داشتن این «امید» در رگ‌های خانواده است.

شما بانوی عزیز که منتظر آینده روشن هستی، نباید هرگز در مشکلات و سختی‌ها امید خود را از دست بدهی و باید برای آنچه وعده داده شده، تلاش کنی. باید با نگاهی واقع‌بینانه به چالش‌های زندگی و جامعه، و با قلبی پر از امید و اعتماد به وعده‌های الهی، مسیر حرکت را ادامه دهی. خواهر من! تو با هر گام کوچک و بزرگی که در مسیر حق و عدالت برمی‌داری، به زمینه‌سازی برای ظهور کمک می‌کنی. پس در این مسیر، هرگز امیدت را از دست نده؛ چرا که شما عاشقان مولا ایمان دارید که وعده الهی، حق است.

انتظار، یک حرکت فعال است، نه یک سکوت منفعلانه. وقتی می‌گوییم هر قدم کوچک، یک کمک به زمینه‌سازی ظهور است، منظورمان کارهای بزرگی مثل ساخت موشک نیست. برای یک بانوی خانه‌دار و مدیر خانه، زمینه‌سازی در بطن زندگی روزمره معنا می‌شود:

۱. قصص، ۵. «وما اراده کرده ایم بر کسانی که در زمین به ضعف و زبونی کشیده شدند، ممت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثین (روی زمین) قرار دهیم».

۱. تربیت نسل منتظر: اگر یک مادر، فرزندی را تربیت کند که در خانه‌اش عدالت برقرار کند (مثلاً در تقسیم وظایف یا رسیدگی به دیگران)، آن فرزند خود یک سرباز ظهور است. اگر فرزندی امید را در خانه شما بیاموزد، قدم بزرگی در زمینه‌سازی برداشته‌اید.

۲. مدیریت اقتصادی جهادی: مقابله با اسراف، پرهیز از تجمل‌گرایی‌های بیهوده و مدیریت منابع مالی خانواده برای کمک به نیازمندان یا شرکت در طرح‌های تولیدی کوچک، خود یک مصداق «عدالت‌طلبی» و مقابله با فساد اقتصادی است. این کار فقط از ما بانوان برمی‌آید. ما در زمان هشت سال جنگ تحمیلی، زنان و مادرانی را داشتیم که با مدیریت هوشمندانه منابع محدود، مانند مواد غذایی، سوخت و ملزومات دیگر، به حفظ ثبات اقتصادی خانواده‌ها کمک می‌کردند. آن‌ها با برنامه‌ریزی دقیق برای مصرف منابع، ایجاد شبکه‌های حمایتی محلی و به اشتراک‌گذاری اقلام ضروری با همسایگان، از فروپاشی اقتصادی خانواده‌ها جلوگیری می‌کنند. همچنین، زنان اغلب با حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، مانند کودکان و سالمندان، از طریق توزیع غذا یا پوشاک، به کاهش فشار بر منابع عمومی و حفظ انسجام اجتماعی کمک می‌کنند. زنان ما در جنگ ۱۲ روزه نشان دادند که با مدیریت هوشمندانه منابع خانگی، تقویت اقتصاد غیررسمی، مشارکت در بخش‌های رسمی و ابتکارات خلاقانه، ستون‌های تاب‌آوری اقتصادی هستند.

۳. تبدیل فضای مجازی به سنگر حق: استفاده از صفحات شخصی‌تان برای ترویج امید، حق‌گویی و مقابله با دروغ‌ها و شایعاتی که دشمن برای ناامیدسازی می‌پراکند، «سکان کشتی امید» را محکم نگه می‌دارد.

این‌ها همان گام‌های کوچک عدالت‌محور در مقیاس خانه هستند که به آماده‌سازی جامعه برای عدالت جهانی کمک می‌کنند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید:

یاد امام زمان، نشان دهنده این است که خورشید طلوع خواهد کرد؛ روز خواهد آمد. بله، ظلمات هست، ظالمان و تاریکی آفرینان هستند در دنیا، و قرن‌های متمادی بوده‌اند، اما پایان این شب سیاه و ظلمانی، قطعاً طلوع خورشید است. این آن چیزی است که اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به ما می‌آموزد؛ این وعده تضمین شده پروردگار است: «الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعْدًا غَيْرَ مَكْذُوبٍ»؛ وعده تخلف ناپذیر الهی است. در اول زیارت [هم دارد]: «الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ». وعده‌ای که تضمین شده است از طرف پروردگار، ظهور این بزرگوار است. معتقدین به ظهور ولی عصر و وجود ولی عصر (ارواحنا فداه) هیچ‌گاه دچار ناامیدی و یأس نمی‌شوند.^۱

در گفتار پیامبر و امامان معصوم علیهم‌السلام هم می‌بینیم که از انتظار به عنوان یک ارزش بسیار مهم یاد شده است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «انْتَظَرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ انْتِظَارُ الْفَرَجِ مَا دَاوَمَ عَلَيْهِ الْمُؤْمِنُ»^۲؛ منتظر فرج (امام عصر) باشید و از رحمت خدا ناامید نشوید؛ زیرا محبوب‌ترین اعمال نزد خدای عزوجل، انتظار فرج است، مادامی که مؤمن بر آن مداومت داشته باشد.

همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید: «لَا تَيَأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ»^۳ من به عنوان یک زن منتظر هم نباید ناامید شوم و نباید ناامیدی را در این دوران که فتنه‌های آخرالزمانی شدت گرفته، به فرزندان و همسر و دوستان و آشنایان منتقل کنم. آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله می‌فرماید:

این نور امید است که جوان‌ها را به انگیزه و حرکت و نشاط وادار

۱. بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۶.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۳.

۳. یوسف، ۸۷.

می‌کند و از دل مردگی و افسردگی آن‌ها جلوگیری می‌کند و روح پویایی را در جامعه زنده می‌کند. این، نتیجه انتظار فرج است.^۱

بنابراین یکی از آثار وجودی امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف هرچند که غایب باشند، ایجاد نور امید در قلب منتظران است و امید به ظهور آن حضرت به ما می‌گوید که اگرچه جهان در ظلم فرو رفته، اما رحمت الهی هر لحظه بشریت را به جهانی روشن و بدون ظلم و تاریکی می‌رساند. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید:

امروز هر نقّسی و هر حنجره‌ای که برای ناامیدکردن مردم بدمد و به صدا درآید، در اختیار دشمن است؛ چه خودش بداند و چه خودش نداند. هر قلمی و کلمه‌ای را که در جهت ناامید و مأیوس کردن مردم روی کاغذ بیاورد، متعلق به دشمن است.^۲

بانوی خانه، منبع پرورش امید

وظیفه ما به عنوان مادر و مدیر و مدبّر خانه، مقابله با موج ناامیدی است. در فضایی که عده‌ای تنها لب به گلایه می‌کشایند، ما باید با زبان شیرین مادرانه، حس «امید» و «ما می‌توانیم» را به بچه‌ها منتقل کنیم.

امروز می‌خواهم چند راهکار عملی به شما پیشنهاد بدهم که چگونه در این هیاهوی دنیا، روحیه امید را در دل خودمان و فرزندانمان زنده نگه داریم.

«عینک قدرت» به چشم بزنیم

اولین قدم این است که در خانه‌هایمان، زبان «نمی‌شود» و «نداریم» را به زبان «توانستیم» تغییر دهیم. وقتی اخبار پیروزی‌های نظامی یا پیشرفت‌های موشکی را می‌شنوید، به سادگی از کنارش رد نشوید. با

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان، ۳۰ مهر ۱۳۸۱.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۲۵ آذر ۱۳۷۶.

ذوق و شوق برای بچه‌ها تعریف کنید. به آن‌ها بگویید: «بین عزیز دلم! این موشکی که اسرائیل را لرزاند، ثمره هوش و ایمان جوانی است که مثل تو در همین مدرسه‌ها درس خوانده».

به بچه‌ها بگویید: «می‌دانستید در کل دنیا فقط چند کشور هستند که خودشان، هم ماهواره می‌سازند و هم موشک ماهواره‌بر دارند که آن را به فضا پرتاب کند؟ ایران در میان ۱۰ قدرت برتر جهان است. ایران با پرتاب ماهواره‌هایی مثل «ثریا»^۱ نشان داد که دانش فضایی‌اش دیگر قابل حذف کردن نیست».

بسیاری تصور می‌کنند که دنیای پیچیده مخابرات و صنایع فضایی، محیطی صرفاً مردانه و خشن است که در آن جایی برای ظرافت وجود ندارد. اما خانم مهندس جوانی که طراحی آنتن‌های ماهواره‌های بومی را بر عهده دارد، با تخصص خود، نگاه کلیشه‌ای «زن را چه به این کارها؟! را کنار زده و ثابت کرده است که در مدار زمین، جنسیت معنا ندارد. خانم «راضیه راستکوه»، مدیری است که در پروژه ماهواره بومی «کوثر» که قبل از ثریا ساخته شده بود، نقش داشته است. حضور زنان در صنعت هوافضا تنها یک شعار برای برابری جنسیتی نیست؛ بلکه یک نیاز فنی است. تجربه نشان داده که دقت و صبر، یعنی ویژگی‌هایی که در مدیریت زنانه نمود پیدا می‌کند، در محیطی که کوچک‌ترین خطا می‌تواند سرنوشت یک پروژه ماهواره‌ای را تعیین کند، حیاتی است. نکته مهم در ساخت این ماهواره میانگین سنی تیم سازنده است که حدود ۲۵ تا ۲۶ سال می‌باشد.^۲

باید به بچه‌ها یاد بدهیم که این اقتدار نظامی، صرفاً برای جنگ نیست؛

۱. ماهواره ثریا، یک ماهواره سنجش‌ازراه‌دور و از سری میکروماهواره‌های تحقیقاتی SRI ساخت پژوهشگاه فضایی ایران است که توسط سازمان فضایی ایران ساخته شده است و در ۳۰ دی ۱۴۰۲ توسط نسخه جدید موشک ایرانی قائم ۱۰۰ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مدار نزدیک زمین ارسال شد.

2. <https://farsnews.ir/atefegharibi/176711183125444577>

بلکه این‌ها «ابزار یاری امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف» است. به آن‌ها بگوییم که ما قدرت جمع می‌کنیم تا وقتی امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف آمدند، دست بسته نباشیم. این یعنی تبدیل یک خبر نظامی به یک «هدف معنوی». نباید بگذاریم بچه‌هایمان فکر کنند که پیشرفت فقط در غرب است.

بیان پیشرفت‌های علمی امیدآفرین

از معجزه سلول‌های بنیادی و پزشکی برایشان حرف بزنیم. به جوانانمان بگوییم: در گذشته برای یک جراحی ساده باید به خارج می‌رفتیم؛ اما امروز ایران جزو پیشروهای جهان در درمان بیماری‌های صعب‌العلاج با سلول‌های بنیادی است؛ یعنی دانشمندان جوان ما به جای استفاده از داروهای شیمیایی پرضرر، یاد گرفته‌اند که چگونه از خود «سلول‌های بنیادی» بدن استفاده کنند تا اعضای آسیب‌دیده را ترمیم کند.

این یک معجزه علمی است. وقتی از درمان بیماری‌های صعب‌العلاج (مثل سرطان، ضایعات نخاعی یا بیماری‌های چشمی) با سلول‌های بنیادی حرف می‌زنیم، یعنی ایران در لبه دانش حرکت می‌کند؛ جایی که فقط چند کشور انگشت‌شمار در کل جهان جرأت ادعای آن را دارند. یا می‌بینیم درمان ناباروری با سلول‌های بنیادی، از روش‌هایی است که میلیون‌ها زوج را در سراسر جهان تحت تأثیر قرار می‌دهد. این یعنی اگر دیروز برای درمان به خارج می‌رفتیم، امروز بیماران کشورهای دیگر برای درمان به دست جوانان ما، راهی ایران می‌شوند.

نگاهی به موفقیت‌های دکتر حقیرالسادات در اروپا

دکتر «بی‌بی فاطمه حقیرالسادات» از بانوان و متخصصان مهم کشور که دارای ۱۲ اختراع و بیش از ۷۰ پروژه داخلی و بین‌المللی است، درباره موفقیت‌های علمی خود می‌گوید:

در سال ۱۳۹۶ توانستم از دانشگاه آمستردام هلند مدرک دکترای تخصصی کسب کنم و پایان‌نامه‌ام به عنوان یکی از پایان‌نامه‌های

برتر اروپا شناخته شود. در اروپا رسم است که از هر پایان نامه سه، چهار مقاله ISI درمی آید، اما پایان نامه من به صورتی بود که ۱۰ مقاله از آن استخراج شد. خروجی آن تولید یک دارو برای درمان سرطان بود که به امید خدا تا چند سال دیگر به مرحله تولید می رسد. ثبت چندین اختراع در داخل و خارج از کشور در زمینه محصولات دانش بنیان و تجاری سازی دو محصول دانش بنیان کسب عنوانی چون فناور برتر در سال ۱۳۹۶، دانشجوی نمونه دکتر در سال ۹۱-۹۲، بانوی نمونه بسیجی کشور در همان سال، دستاورد برتر دانشگاه تهران در سال ۹۶ از دیگر افتخاراتی است که توانستم به آن دست پیدا کنم.^۱

مقابله با یأس در دوره‌های فامیلی

وقتی در دوره‌های فامیلی، موج گلایه بالا می گیرد و همه در ناامیدی غرق می شوند، شما با هوشمندی، نقش «قهرمان امید» را ایفا کنید. یادتان باشد: ناامیدی گناه کبیره است. اما چگونه ورق را برگردانیم؟

۱. **تأیید دلسوزانه، نه تأیید ناامیدکننده:** به جای گفتن «آره، واقعاً دیگه نمی شه زندگی کرد» بگویید: «بله، حق با شماست، شرایط اقتصادی سخته و من هم این سختی رو حس می کنم. اما ببینیم برای بهتر شدن اوضاع، ما در دایره خودمون چه کاری می تونیم انجام بدیم؟».
۲. **استفاده از مقایسه هوشمندانه:** به جای تمرکز صرف بر مشکلات داخلی، بگویید: سختی هست، اما یادتان نرود که تمام دنیا به هم ریخته است؛ از شرق تا غرب عالم همه نگران آینده اند و ما با این همه تحریم، زیر سایه ولایت و به برکت خون شهدا، هنوز لنگر ثبات منطقه ایم. آیا می دانستید پیشرفت های علمی ما مثل ساخت داروهای ضدسرطان یا پیشرفت های موشکی، ما را از وابستگی به دشمن نجات داده است؟

1. <https://jahanbanou.ir/?p=8877>

عزیزان! وقتی در جمع‌های خانوادگی چه در فضای مجازی و چه حقیقی بحث به مشکلات باز می‌شود، ما نباید منفعل باشیم. باید با منطقی روشن و ساده با آن‌ها حرف بزنیم. وقتی کسی می‌گوید: «آقا! این همه هزینه در منطقه برای چیست، درحالی‌که خودمان مشکل داریم؟»، به او بگویید: بزرگوار! اتفاقاً این کار دقیقاً برای حل مشکلات خودمان است.

بیایید یک لحظه تصور کنیم اگر ایران در سوریه و عراق حضور نمی‌یافت، چه می‌شد؟ طبق برآوردهای نظامی، اگر داعش در آنجا تثبیت شده بود، ایران باید صد برابر هزینه فعلی را صرف حفاظت از مرزهایش می‌کرد. یعنی نه تنها نان گران می‌شد، بلکه نان با طعم خون می‌خوردیم! امنیت، زیربنای اقتصاد است. در کشوری که بمب منفجر شود، نه سرمایه‌گذار می‌ماند و نه کاسب و بازاری می‌تواند کرکره دکانش را بالا بکشد.

به آن‌ها بگویید: «یادتان هست می‌گفتند چرا به جای موشک، روی اقتصاد سرمایه‌گذاری نمی‌کنیم؟» امروز دنیا به ما پاسخ داده است. کشورهای در همین منطقه هستند که ده برابر ما سرمایه دارند، اما چون قدرت دفاعی ندارند، مثل یک گاو شیرده تمام ثروتشان توسط قدرت‌ها دوشیده می‌شود. ما اگر امروز در تلاطم‌ها لنگر ثبات هستیم، چون هزینه «قدرت» را داده‌ایم تا هزینه «ذلت» را ندهیم.

به جوان‌ترها در فامیل بگویید: منکر سختی نیستیم و شرایط ازدواج و فرزندآوری بسیار سخت است؛ اما این را هم ببینید که همین ایران تحت تحریم، امروز در بسیاری از تکنولوژی‌های پیشرفته جزو ۵ یا ۱۰ کشور اول دنیاست. چطور می‌شود کشوری در ساخت پیچیده‌ترین تجهیزات نظامی و پزشکی موفق باشد، اما در اقتصاد نه؟! پاسخ ساده است: هر جا با روحیه «ما می‌توانیم» و مدیریت جهادی پیش رفتیم، قله را فتح کردیم و هر جا چشم به دست غرب دوختیم، ضربه خوردیم.

پس به آن‌ها یادآوری کنید که یأس، تله دشمن است. دشمن می‌خواهد ما فکر کنیم در بن بست هستیم تا دست‌هایمان را بالا ببریم. شجاعت داشته باشید و با افتخار بگویید که ما فرزندانِ روزهای سختیم، نه تسلیم‌شدگانِ در برابر سراب‌ها.

۳. یادآوری تضمین الهی: به جای جدل کردن یا بحث‌های بی‌نتیجه، بگویید: این سختی‌ها آزمایشی است و امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ناظرند. جمله ما در خانه این است: «خورشید قطعاً طلوع می‌کند» و ما جزو برندگانِ نهایی هستیم؛ چون وعده خدا تخلف‌ناپذیر است. به آن‌ها بگویید که وعده خدا در زیارت حضرت (يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي صَمِنَهُ) تضمین شده است. این باور را در جان‌شان بنشانید که هر قدمی برای حق برمی‌دارند، حتی یک نمره بیست در مدرسه یا یک کار خوب در جامعه، در واقع می‌تواند کمک به طلوع آن خورشید باشد.

امید، سگان کشتی ملت

امید مثل «سگان کشتی» است. اگر در این طوفانِ آخرالزمانی، سگانِ امید را رها کنیم، فرزندانمان در دریایِ بلا تکلیفی غرق می‌شوند.

عبرت سلبریتی‌ها؛ از اوج عزت تا سقوط در غربت: ناامیدی، بسیاری را به سمتی برد که فکر می‌کردند با پشت کردن به وطن و لگدزدن به ریشه‌های خود، آغوش گرم غرب منتظر آن‌هاست. اما واقعیت، تصویر دیگری را رقم زد. نگاهی به سرنوشت برخی بازیگرانی که با هیاهو از ایران رفتند، بهترین گواه است. زنی که در ایران ستاره سینما بود و با احترام در جشنواره‌ها قدم می‌زد، پس از مهاجرت و در غیاب حمایتِ ریشه‌هایش، به اِبنزاری برای بازی‌های سیاسی تبدیل شد. او که با امیدِ «آزادی مطلق» رفته بود، اکنون در فضای مجازی با چهره‌ای شکسته و رفتارهای ناهنجار، تنها برای «دیده شدن» تلاش می‌کند. او از سینمای تراز اول، به جایی رسید که برای گذران

زندگی، باید به پروژه‌های دست‌چندم یا رفتارهای خلاف عفت تن دهد. این یعنی نابودشدنِ هویت و کرامت در سرابی که نامش را آزادی گذاشته بودند.

عاقبتِ پشت‌کردن به مردم و کشورِ خود: بسیاری از سلبریتی‌های مرد و زن که به انقلاب و کشور پشت کردند، اکنون در دام رسانه‌هایی افتاده‌اند که به محض تمام‌شدن تاریخ مصرفشان، آن‌ها را مانند یک دستمال بی‌مصرف، به دور می‌اندازند. انزوای شدید، افسردگی و اعتیاد، واقعیتِ زندگی بسیاری از کسانی است که امیدِ واهی به خارج داشتند.

امید، موتور حرکتِ چرخِ زندگی

آیا فقط انتظار و امیدداشتن کافی است؟ بله، ما منتظریم و همه خوبی‌های الآن و زمان ظهور امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را می‌بینم و کاملاً به آن واقفیم. پس دیگر کاری نکنیم و صبر کنیم تا ایشان تشریف بیاورند و همه چیز گل و بلبل شود، همین؟!

نه عزیزان من! شما که عاشقان دیدن روی مهدی فاطمه علیها السلام هستید، باید بدانید که انتظار و امید به آینده به معنای سکوت و دست روی دست گذاشتن نیست؛ بلکه این انتظار باید ما را تشویق به انجام کار و تلاش در این راه کند.

آن چیزی که انسان‌ها را وادار به کار و حرکت می‌کند، نیروی امید است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَ لَوْ لَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةٌ وَلَدَهَا وَ لَا غَرْسٌ غَارِسٌ شَجَرًا»^۱ امید و آرزو، رحمت امت من است. اگر امید نبود، هیچ مادری به بچه خودش شیر نمی‌داد و هیچ کشاورزی نهال درختی را نمی‌کاشت.

هفت بار رفت، چون ناامید نشد

در جریان هجرت حضرت هاجر (ع) و جوشیدن چشمه زمزم از زمین، می بینیم که او در بیابانی بی آب و سایه، تنها با کودکی تشنه ماند. اسماعیل (ع) بی تاب شد و هاجر نه برای شکایت، بلکه برای یافتن راه، میان دو تپه صفا و مروه دوید. آنچه او می دید، سراب بود، اما با قلبی سرشار از اطمینان، هفت بار این مسیر را پیمود.

قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ الصَّافَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ»؛^۱ همانا صفا و مروه از نشانه های خداست. صفا و مروه قصه زنی است که معنای «امید در اوج ناامیدی» را به تاریخ آموخت. پاداش این خستگی ناپذیری، تنها نجات یک کودک نبود؛ بلکه چشمه زمزمی جاری شد که هزاران سال است می جوشد. از برکت این امید، شهر مکه متولد شد و عظیم ترین عبادت مسلمانان، یعنی حج پدید آمد.

خداوند تلاش این زن را به عنوان عبادتی واجب برای تمام تاریخ ثبت کرد تا پیاموزیم حرکت با توکل، نه تنها گره های شخصی را می گشاید، بلکه مسیر تاریخ را تغییر می دهد. امید، اکسیری است که از بن بست ها معجزه می سازد.

نتیجه گیری

بانویی که امید به انتظار دارد، منفعل نیست. منتظر امیدوار مانند کدبانویی است که منتظر مهمان است. خانه را مرتب و وسایل پذیرایی را آماده می کند. اگر حرکتی نکند و فقط بگوید «منتظرم»، این تنبلی است، نه انتظار. انتظار از رفتار فهمیده می شود، نه از سکون.

ما زنان سهم بزرگی در مسیر انتظار ظهور داریم. همان طور که امام خمینی (ره) با امید به زمینه سازی ظهور، انقلاب کرد، ما نیز در ایام دهه فجر که امسال با

میلاد منجی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم‌زمان شده، باید در خانواده و جامعه زمینه‌ساز باشیم. شاید ما همان زنانی باشیم که امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای حکومت عدلشان روی آن‌ها حساب کرده است.

یقین به چنین آینده‌ای، تکلیفی بر دوش ما می‌گذارد تا مترصد و آماده باشیم. وظایفی چون: خودسازی، صبر، ایستادگی و تربیت نسل مهدوی، از الزامات این مسیر است که در جلسات آینده به آن‌ها خواهیم پرداخت.



جلسهٔ دوم

عبور از سیم خاردارِ نَفْس

(خودسازی بانوان، پیش‌نیاز آمادگی برای ظهور)







السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ

زنان پاکدامن

در طول تاریخ، بندگان خالصی برای خدای متعال بوده‌اند که مانند ماه شب چهارده در محیط ظلمانی دور از اخلاق و معنویت می‌درخشیدند و با حفظ ایمان خود، به بالاترین درجات رسیدند؛ افرادی مانند حضرت خدیجه عَلِیْهَا السَّلَامُ که در محیط شرک‌آلود و به دور از عفت و اخلاق زمان جاهلیت به «خدیجه طاهره» مشهور شدند و لایق همسری خاتم انبیا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گردیدند. یا مانند بانو آسیه عَلِیْهَا السَّلَامُ که چهل سال در خانه پلیدترین انسان زندگی کرد، ولی چنان طاهره ماند که اهل بیت عَلِیْهِمُ السَّلَامُ در روایات متعددی او را جزو چهار بانوی بزرگ عالم معرفی می‌کنند؛ مانند این حدیث شریف از امام صادق عَلِیْهِ السَّلَامُ: «سَيِّدَاتُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعٌ: مَرْيَمُ بِنْتُ إِيمَرَانَ، وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ، وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ»^۱.

نرجس خاتون عَلِیْهَا السَّلَامُ، مظهر ایمان و بندگی خالص

حضرت نرجس عَلِیْهَا السَّلَامُ در محیط ناپاک کاخ قیصر روم چنان طهارتی داشت که پروردگار او را برای مادری آخرین حجت خود برگزید. اگرچه از جزئیات زندگی ایشان پیش از اسارت گزارش دقیقی در دست نیست، اما شرافت کنونی ایشان گواه پیشینه درخشان اوست.

۱. «برترین زنان اهل بهشت چهار تن هستند: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، حضرت خدیجه دختر خویلد و حضرت فاطمه دختر حضرت محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ». (شیخ صدوق، الامالی، ص ۱۷۴)

مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بانو «ملیکه» دختری رومی بود که ازطرف پدر، نوه امپراتور و ازطرف مادر، نوه «شمعون» (وصی حضرت عیسی علیه السلام) بود. او با آنکه در کاخ می‌زیست، روحی سرشار از معنویت داشت. شبی در عالم خواب، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را دید که او را از حضرت مسیح علیه السلام برای فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام خواستگاری کرد. از آن پس، محبت امام در دل او شعله‌ور شد.

چهارده شب بعد در خواب، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را همراه حضرت مریم علیها السلام دید. ملیکه از نیامدن امام گلایه کرد. حضرت زهرا علیها السلام فرمود: تا مسیحی هستی، فرزندم به سراغ تو نمی‌آید. اگر می‌خواهی خدا و مسیح از تو خشنود شوند، اسلام را بپذیر. ملیکه گفت: ای بانوی بزرگ! با تمام وجود حاضرم. فرمود: بگو «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ». ملیکه شهادتین را گفت و به دین اسلام گروید و در انتظار دیدار امام ماند.

سرانجام در جنگی میان مسلمانان و رومیان، ملیکه به اسارت درآمد. او به عنوان کنیز وارد خانه امام هادی علیه السلام شد و توسط حکیمه خاتون علیها السلام (خواهر امام)، آداب اسلام را آموخت و به عقد امام حسن عسکری علیه السلام درآمد و از آن پس «نرجس» نام گرفت. ثمره این ازدواج، منجی موعودی بود که در نیمه شعبان ۲۵۵ هجری در شهر سامراء به دنیا آمد.^۱

چنین بود که دختری پاک، خود را از آلودگی کاخ قیصر روم رها کنید و بالیاقت و استعداد خود، به مقامی رسید که منجی بشریت از دامن او متولد شود و اکنون همه جهان منتظر فرزند چنین زنی هستند. خداوند نیز به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وعده داده است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

۱. دوانی، مهدی موعود (ترجمه جلد پنجاهم بحار الانوار)، ص ۱۸۹ و ۱۹۸.

وَلَيْمَسَّكَ نَفْسُكَ دِيَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۱

در روایات بسیاری، از امام سجاد و ائمه دیگر علیهم السلام آمده است: مصداق کامل این آیه، حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که خداوند وعده داده است در آن روز اهل ایمان بر جهان حکومت کنند.

در جلسه قبل دربارهٔ انتظار صحبت کردیم و گفتیم که انتظار به معنای دست کشیدن نیست؛ بلکه به معنای آماده سازی زمینه های ظهور است. انتظار یعنی چشم داشت، چشم به راه بودن و امید به آینده داشتن است که مفصل به آن اشاره شد و گفتیم که لحظه لحظه زندگی انسان با امید همراه است و اگر امید به آینده را از او بگیرند، سرنوشتی جز سکون و مرگ و تباهی نخواهد داشت. اگر انسان، منتظر امام خود باشد، خود و جامعه را برای ظهور او آماده می کند؛ می کوشد عدالت را در جامعه برقرار سازد و سعی می کند کارهای ثواب و نیک را ترویج داده، کارهای گناه و بد را بزداید. پس انتظار وظایفی را بر عهدهٔ منتظران عاشق قرار می دهد که در این جلسه می خواهیم به مهم ترین وظیفهٔ منتظر که خودسازی است، بپردازیم. ببینیم ما زنان به عنوان هستهٔ مرکزی خانواده و جامعه چگونه می توانیم منتظر واقعی باشیم؟

اصلاح خود، شرط انتظار واقعی

پیش از هر چیز، منتظر واقعی به تهذیب نفس، کسب فضایل اخلاقی و دوری از رذایل می پردازد. او می کوشد وجود خود را از گناه و غفلت پاک گرداند تا شایستگی همراهی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را پیدا کند. کسی که منتظر حکومت

۱. نور، ۵۵. «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده، کارهای شایسته انجام داده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین [دیگران] کند؛ همان گونه که پیشینیان آنان را جانشین [دیگران] کرد، و قطعاً دینشان را که برای آنان پسندیده به سودشان استوار و محکم نماید، و یقیناً ترس و بیمشان را تبدیل به امنیت کند، تا جایی که فقط مرا بپرستند و هیچ چیزی را شریک من نگیرند، و آنان که پس از این نعمت های ویژه، ناسپاسی کنند، [در حقیقت] فاسق اند».

مصلح است، خود نیز باید صالح باشد؛ یعنی منتظر واقعی نمی‌تواند نقش تماشاگر داشته باشد؛ بلکه حتماً باید در صف مصلحان باشد. پس اول باید خودش را اصلاح کند. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «هر یک از شما باید برای خروج حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام سلاحی مهیا کند، هرچند یک تیر باشد، خدای تعالی هرگاه بداند کسی چنین نیّتی دارد، امید آن است که عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک کرده، از یاران و همراهانش قرار گیرد».^۱

پس برای ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و یاری آن حضرت، باید آماده بود و خود را مهیا نگه داشت. این شامل آمادگی نظامی، جسمانی و جهات دیگر می‌شود؛ اما مهم‌تر از همه، خودسازی و آمادگی فکری، علمی و سیاسی است؛ یعنی باید سطح توانایی‌های خود را بالا ببریم و شیعه‌لایقی برای امام باشیم.

خودسازی، رسالت بانوان منتظر

نیمه شعبان فقط یک جشن تولد نیست؛ بلکه «عید بازسازی» است. منجی می‌آید تا جهان را بازسازی کند؛ اما آیا ما خود را برای میزبانی او آماده کرده‌ایم؟ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ»؛^۲ هرکس دوست دارد از یاران قائم باشد، باید منتظر باشد و درحال انتظار، اهل تقوا و اخلاق نیکو باشد.

هر انسانی در درون خود یک «جبهه جنگ» دارد. پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْجِهَادِ أَنْ تُجَاهِدَ نَفْسَكَ وَهُوَ أَكْ فِى ذَاتِ اللَّهِ تَعَالَى»؛^۳ برترین جهاد این است که به خاطر خداوند متعال با نفس و هواهای نفسانی‌ات جهاد کنی.

گاهی شکست می‌خوریم و قلبمان شبیه یک شهر جنگ‌زده، پر از آوارِ عادت‌های بد و ناامیدی می‌شود. اما منتظر واقعی کسی است که هر روز از

۱. نعمانی، الغيبة، ص ۳۲۰، ح ۱۰.

۲. همان، ص ۲۰۰.

۳. متقی‌هندی، کنز العمال، ح ۱۱۲۶۵؛ محمدی‌ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۳۳۱.

خودش بپرسد: اگر امام زمان (عج) امروز بیاید، من با این اخلاق، با این سبک زندگی، با این دل بستگی‌ها، در کدام صف می‌ایستم؟

زن، سازندهٔ انسان

خواهران عزیز! نقش زن در دوران غیبت، کم نیست. زن، سازندهٔ انسان و نسل منتظر است. همان‌طور که حضرت امام خمینی (ره) فرمودند:

قرآن کریم انسان‌ساز است و زن‌ها نیز انسان‌ساز. وظیفهٔ زن‌ها انسان‌سازی است. اگر زن‌های انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته بشود، ملت‌ها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد؛ شکست خواهند خورد؛ منحل خواهند شد. زن‌ها هستند که ملت‌ها را تقویت می‌کنند؛ شجاع می‌کنند.^۱

خودسازی بانوان، یعنی ساختن خانواده‌ای که بوی امید بدهد. به خصوص بعد از حوادث سخت و آسیب‌های روحی در فضای پس از جنگ ۱۲ روزه، جامعه نیازمند آرامش درونی است و این با تهذیب درون شما بانوی خانه به ثمر می‌رسد. عزیزان من! در آن ۱۲ روز نبرد سرنوشت‌ساز، دشمن تمام توانش را گذاشت تا با موشک و شایعه، ترس را به خانه‌های ما بفرستد. در آن شب‌هایی که صدای انفجار، خواب را از چشم کودکان می‌گرفت، نقش شما تجلی یافت. شما فقط چراغ خانه را روشن نگه نداشتید، بلکه سایبان وقار در برابر طوفان بودید. وقتی فرزندان با اضطراب به چشمان شما زل می‌زد، شما با هر لبخندِ باصلابت، بذر اطمینان را در دل او کاشتید. شما با لبخند و صبوری‌تان، چراغ امید خانه را روشن نگه داشتید و خانه‌ای که در آن چراغ امید روشن باشد، همان خانه‌ای است که مهدی فاطمه (عج) به آن نظر می‌کند. رهبر معظم انقلاب (ره) دربارهٔ خودسازی فرموده‌اند:

۱. صحیفهٔ امام خمینی (ره)، ج ۶، ص ۳۰۰.

دیگر حرف من نیست؛ حرف یک رزمنده همدانی است که اگر چنانچه از سیم‌خاردار می‌خواهی رد بشوی، اول باید از سیم‌خاردار نفست عبور کنی.^۱

این تعبیر «عبور از سیم‌خاردار نفس» که رهبر انقلاب نقل کردند، دقیق‌ترین تصویر برای خودسازی است. تازمانی که انسان در بند «منیت» و خواهش‌های نفسانی باشد، نمی‌تواند درست رفتار کند. پس ما منتظران باید به خودسازی و تقوا بپردازیم. اما از چه راه‌هایی می‌توانیم نفس خود را مهار کنیم و در جهاد اکبر پیروز باشیم و خود را برای زمان ظهور مولا آماده کنیم؟

پیوند خودسازی و ظهور

نکته مهم این است که خودسازی فقط عبادت ظاهری نیست. خودسازی فرآیندی است که در آن انسان تلاش می‌کند تا با استفاده از آموزه‌های قرآنی و الهی، نفس خود را از ویژگی‌های منفی و گناه پاک سازد و خصوصیات نیکو و اخلاق پسندیده را در خود تقویت کند. این روند شامل مراقبت مداوم از افکار، گفتار و کردار در جهت رضایت خداوند و پیروی از سیره پیامبران و ائمه معصومین علیهم‌السلام است. پس علاوه بر اینکه شخص باید در عبادت ظاهری تمام تلاش خود را هزینه کند، لازم است مراقبت‌های دیگری نیز انجام دهد.

راهکارهایی برای خودسازی

۱. عمل به واجبات و ترک محرمات

«خودسازی» یعنی پیروی از احکام. باید تابع محض احکام باشیم تا بتوانیم به خودسازی قیام کنیم، و این تسلیم بودن، نماد سلامت ما خواهد بود. این احکام را ما ابتدا از قرآن و سپس از ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌گیریم. پس باید تسلیم محض خدا و معصومین علیهم‌السلام باشیم تا بتوانیم ثابت کنیم که با تربیت نفس خود و پاک شدن درون، از منتظران واقعی هستیم.

۱. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران راهیان نور، ۱۶ اسفند ۱۳۹۵.

دستورات و احکام، فراوان است. چند مورد را که شاید بانوان بیشتر مبتلا به آن هستند و نفْس ما را آلوده و ویران می‌کنند، بیان می‌کنیم و ان شاء الله راهکارهایی هم برای آن ارائه داده می‌شود.

غیبت، آتش خرمن طاعات

خواهران عزیزم، بزرگواران! همهٔ ما می‌دانیم که خانه‌داری و مدیریت یک زندگی چقدر زحمت دارد. گاهی ساعت‌ها وقت می‌گذاریم، غذا آماده می‌کنیم، خانه را مرتب و پاکیزه می‌کنیم تا عزیزانمان در آرامش باشند. اما چقدر ناراحت می‌شویم وقتی ببینیم میوه‌ای که خریده‌ایم، خراب و پوسیده بوده، یا ظرف بلور قیمتی مان به خاطر یک غفلت ترک خورده است؟

مسیر بندگی هم همین‌طور است. ما خانم‌ها اهل توشلیم؛ اهل اشک و دعا هستیم؛ چقدر به نیتِ گره‌گشایی صلوات می‌فرستیم؟ چقدر در قنوت نمازهایمان برای عاقبت‌به‌خیری بچه‌هایمان دعا می‌کنیم؟ این‌ها «دسترنج» ماست؛ این‌ها سرمایهٔ آخرت ماست.

اما عزیزان من! بیایید صادقانه بپرسیم: این همه زحمت را در کدام ظرف می‌ریزیم؟ نکند خدای نکرده ظرف اعمال ما مثل یک «کیسهٔ سوراخ» باشد؟!

گاهی در یک دورهمی زنانه، وقتی سفره پهن است یا در یک گروه خانوادگی در فضای مجازی، حرفی پیش می‌آید. شیطان دقیقاً همین‌جا کمین کرده است. با یک جملهٔ به‌ظاهر ساده مثل «دیدي فلانی چه لباسی پوشیده بود؟!» یا «دست‌پختش را دیدي؟!» یا «بیچاره شوهرش که با اخلاق او می‌سازد!»، تمام آن صلوات‌ها و نماز شب‌ها مثل انبار کاهی که آتش گرفته باشد، خاکستر می‌شود.

بعضی‌ها فکر می‌کنند غیبت فقط گفتنِ دروغ است؛ اما باید دانست که گفتنِ چیزی که در او هست، اما دوست ندارد فاش شود، غیبت است و اگر دروغ

باشد، بهتان و تهمت است. وقتی پای غیبت به خانه‌ای باز شود، برکت از آن خانه می‌رود. آرامشی که دنبالش هستیم، در گرو زبان ماست؛ زبانی که به غیبت بچرخد، دیگر دعایش در حق فرزند و همسر، آن اثرِ معجزه‌آسا را نخواهد داشت.

قرآن چقدر عجیب و تکان‌دهنده با ما حرف می‌زند! می‌فرماید: غیبت مثل خوردن گوشت برادر مرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ»^۱.

چرا مرده؟ چون آن کسی که پشت سرش حرف می‌زنید، حضور ندارد تا از خودش دفاع کند؛ مثل یک میّت بی‌دفاع است. آیا ما که در خانه برای سلامت خانواده‌مان این قدر وسواس داریم، راضی می‌شویم روحمان را با چنین لقمه‌ی مرداری آلوده کنیم؟!

خانه‌تکانی زبان

بیا بید از امروز یک قرار زنانه با هم بگذاریم. قبل از اینکه در مورد کسی نظری بدهیم، فقط چند ثانیه مکث کنیم. از خودمان بپرسیم: «اگر همین الآن حضرت زهرا (علیها السلام) کنار من نشسته بودند، باز هم این حرف را می‌زدم؟» اگر در مجلسی هستیم که فضای غیبت در آن شکل گرفت، هنر ما زن‌ها در مدیریت فضا است، با یک لب‌خند، با یک صلوات، یا با عوض کردن بحث به سمت یک موضوع مثبت، اجازه ندهیم آتش به خرمن اعمالمان بیفتد.

۱. حجات، ۱۲. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است، و جاسوسی نکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکنند. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟! بلکه از آن کراهت دارید؛ پس از خدا بترسید که خدا توبه‌پذیر مهربان است».

تَهْمَت، دیوار بلندی میان ما و امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ

بدتر از غیبت، بلای «تَهْمَت» است؛ یعنی آنچه راشنیده‌ای یا حدس می‌زنی، به عنوان حقیقت به کسی نسبت بدهی. خواهران عزیزم! ما خانم‌ها قدرت تخیل بسیار بالایی داریم. این قدرت اگر در مسیر درست باشد، می‌شود تدبیر زندگی؛ اما امان از روزی که این تخیل، اسیر «گمان» شود. تَهْمَت از همین جا شعله‌ور می‌شود؛ از جایی که ما «کارگردان» می‌شویم و برای زندگی دیگران سناریو می‌نویسیم.

مثلاً می‌بینیم فلان آقای فامیل را با یک زن در خیابان می‌بینیم؛ ذهن فوراً حکم صادر می‌کند: «دیدید؟ از اول معلوم بود که اهل زندگی نیست!»؛ درحالی‌که شاید آن زن، خواهرش بوده، یا اصلاً یک رهگذر که آدرسی پرسیده است. ما با همین یک جمله، نه تنها آبروی او، بلکه برکت زندگی خودمان را هم حراج می‌کنیم. این قضاوت‌های ناعادلانه، مانند یک دیوار بتنی و قطور، بین ما و امام‌زمانمان فاصله می‌اندازد. در قرآن کریم آمده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾^۱.

عزیزان! تَهْمَت فقط یک دروغ ساده نیست؛ تَهْمَت یعنی آبروی کسی را به حراج گذاشتن. وقتی به زنی پاکدامن یا مردی درستکار برچسب می‌زنیم، چیزی را از او می‌گیریم که با سال‌ها زحمت جمع کرده است. قرآن کریم در آیه عجیبی که خواندیم، از تعبیر «غافلات» استفاده کرده است؛ یعنی آن خانم‌های بی‌خبر از همه‌جا! فکرش را بکنید، یک نفر در خانه‌اش نشسته، با آرامش چای می‌خورد، یا به بچه‌اش رسیدگی می‌کند و ما اینجا در یک محفل یا در یک گروه اینترنتی، با آبرویش بازی می‌کنیم.

۱. نور، ۲۳. «بی‌گمان کسانی که به زنان پاکدامن بی‌خبر [از همه‌جا] و باایمان نسبت زنا می‌دهند، در دنیا و آخرت لعنت شده‌اند و برای آن‌ها عذابی سخت خواهد بود».

تهمت، آب‌کنندهٔ ایمان

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ انَّمَا اتَّهَمَ الْإِيمَانُ مِنْ قَلْبِهِ كَمَا يَنْمِثُ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ»^۱. امام چقدر دقیق فرمودند که ایمان، با تهمت ذوب می‌شود. نمک وقتی در آب حل شد، دیگر نمی‌توانی آن را جمع کنی؛ تمام می‌شود! تهمت هم همین است. وقتی زبان ما به تهمت عادت کرد، ذائقهٔ معنوی ما عوض می‌شود. دیگر نه از نماز لذت می‌بریم، نه از روزه. چرا؟ چون قلبی که در آن «بدبینی» و «قضاوت ناحق» جای گرفته، دیگر جای نور خدا نیست.

تمرین عملی

در فضای صمیمی خانواده و دوستان، بیایید از امروز این تمرین را انجام دهیم:

هر وقت چیزی دیدیم که دلمان خواست درباره‌اش حکم صادر کنیم، به خودمان بگوییم: «من همهٔ حقیقت را نمی‌دانم». مثلاً اگر دیدیم کسی مال زیادی به دست آورده، به جای اینکه بگوییم: «حتماً دزدی کرده یا کلاهبرداری کرده»، بگوییم: «شاید ارثی به او رسیده، شاید سال‌ها سختی کشیده و حالا ثمره داده است.» با این کار، اول از همه به روح خودمان آرامش می‌دهیم. بیایید اصل را بر «حمل بر صحت» بگذاریم.

اسراف، تیری زهرآگین بر پیکر جبههٔ خودی

نکتهٔ مهم دیگر که امروز وظیفهٔ شرعی ماست، مسئلهٔ انضباط مالی است. امروز کشور ما از یک نبرد سخت سربلند بیرون آمده و زیر فشار اقتصادی است. در این شرایط، «اسراف» فقط یک گناه شخصی نیست؛ بلکه ضربه‌زدن به عقبهٔ جبههٔ امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

۱. «هرگاه مؤمن به برادر [دینی] خود تهمت بزند، ایمان در قلب او از میان می‌رود، همچنان که نمک در آب ذوب می‌شود». (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۶۱، ح ۱)

«مَنْ شَرِبَ مِنْ مَاءِ الْفُرَاتِ وَالْقَى بَقِيَّةَ الْكُوزِ خَارِجَ الْمَاءِ فَقَدْ أَسْرَفَ».^۱

گاهی ما «سَخاوت» را با «اسراف» اشتباه می‌گیریم. وقتی در مهمانی‌ها چندین نوع غذا تدارک می‌بینیم که بیشتر آن راهی سطل زباله می‌شود، یا وقتی برای چشم‌وهم‌چشمی، مُبل و پرده و لباس مارک‌دار عوض می‌کنیم، درحالی‌که همسایه‌مان در حسرت نان شب است، یا اینکه بی‌دلیل لوازم خانه را عوض می‌کنیم، این یعنی از راه امام عَلَيْهِ السَّلَام رَحِمَهُ اللَّهُ فاصله گرفته‌ایم. یا در روزهایی که زمین تشنه است و آسمان نمی‌بارد، «آب» دیگر فقط مایه حیات نیست؛ بلکه امانتی الهی و امتحانِ بندگی ماست.

خانم کدبانو وقتی شیر آب را باز می‌گذاری و بی‌هدف هدر می‌دهی، وقتی غذای بیش از نیاز می‌پزی و مابقی را دور می‌ریزی و اسراف می‌کنی، در واقع حقِ نسل‌های آینده و موجودات زنده را ضایع می‌کنی. این یعنی خودخواهی، و قلبِ خودخواه نمی‌تواند منتظر امامِ ایثارگر باشد.

خداوند صراحتاً می‌فرماید: «...وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ».^۲

موقع ظرف شستن یا وضوگرفتن، با حداقل آبِ ممکن این کارها را انجام بده. این حسِ «مراقب بودن»، معنویّت عجیبی به زنِ خانه‌دار می‌دهد. خواه‌ران من! در جنگ ۱۲ روزه، جوانان ما سینه خود را مقابل موشک‌ها سپر کردند تا امنیت ما حفظ شود. امروز در این نبرد اقتصادی، شما «افسران» این میدان هستید. مدیریت سفره و مصرف شما، می‌تواند برکت را به جامعه بازگرداند.

۲. ذکر و یاد خداوند

بزرگواران! بدانید که ما در این دنیا مسافریم و زاد و ولد و خانه و زندگی، همه‌اش وسیله است. هدف اصلی این است که روحمان را به آن کمالی برسانیم که

۱. «کسی که آبی را از نهر فرات گوارا برای خوردن بردارد و بعد از نوشیدن، زیادی آن را بیرون بریزد، اسراف کرده است». (جلالی شاهرودی، مجموعه الاخبار، باب ۱۷۱، حدیث ۳)

۲. اعراف، ۳۱. «بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند اسراف‌کاران را دوست ندارد».

خدا برایمان مقدر کرده. این کمال هم جز با «ذکر» و یاد همیشگی خدا به دست نمی‌آید. در قرآن کریم آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا»^۱. ذکر کثیر به معنای واقعی کلمه یعنی توجه با تمام وجود به خداوند؛ نه تنها با زبان بلکه ذکری که در همه اعمال انسان نمود پیدا کند.

خواهران من! بیایید پای کلام نورانی امام صادق (علیه السلام) بنشینیم. حضرت فرمودند: «مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ إِلَّا الذِّكْرُ فَلَيْسَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ، فَرَضَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْفَرَائِضَ، فَمَنْ أَذَاهُنَّ فَهُوَ حَدُّهُنَّ ... إِلَّا الذِّكْرُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَرْضَ مِنْهُ بِالْقَلِيلِ، وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ حَدًّا يَنْتَهِي إِلَيْهِ. ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا»^۲.

عزیزان من! هر عبادتی حد و اندازه‌ای دارد؛ به آن نقطه که برسد، تمام می‌شود. نماز واجب، تعداد رکعاتش معلوم است؛ روزه، زمانش مشخص است؛ اعمال حج محدود است. هرکس این‌ها را انجام دهد، وظیفه‌اش را به کمال رسانده؛ اما یک چیز هست که خدا برایش هیچ مرز و پایانی نگذاشته است.

آن چیست که خدا به کم آن راضی نمی‌شود؟ «یاد خدا». باید خیلی مراقب باشیم! غفلت، همان سم مهلکی است که انسان را به «شرک پنهان» می‌کشاند. اگر می‌خواهیم از شر شیطان و وسوسه‌های نفس در امان بمانیم، راهش «مداومت بر ذکر» است. باید با ذکر دائمی در مسیر عبودیت خدا گام برداشت و از عبودیت غیر خدا به هر شکلی رهایی یافت.

۱. احزاب، ۴۱ و ۴۲. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را بسیار یاد کنید و صبح و شام او را تسبیح گوید».

۲. «هر چیزی حدی دارد که در آنجا به پایان می‌رسد؛ مگر یاد خدا که آن را حدی پایان پذیر نیست. خداوند عزوجل تکالیفی را واجب کرد و برای هر کدام حدی قرار داد ... مگر ذکر، که خداوند عزوجل به کم آن راضی نیست و حدی هم برایش قرار نداده است. سپس حضرت این آیه را تلاوت کرد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را بسیار یاد کنید» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۹۸، ح ۱؛ ابن‌فهد حلی، عده الداعی، ص ۲۳۳).

۳. رهایی از بندگی غیر خدا

خواهران من! وقتی دل لبریز از یاد خدا شد، دیگر جایی برای بندگی غیر خدا نمی ماند. بندگی غیر خدا یعنی چه؟ یعنی اینکه نگران قضاوت مردم باشیم؛ یعنی ترس از حوادث و جنگ ها ما را فلج کند؛ یعنی اسیر مُد و تجملات و چشم و هم چشمی ها شویم. ذکر دائمی، زنجیر این اسارت ها را پاره می کند و به ما حریت و آزادی می دهد.

برای درک بهتر اینکه یاد خدا باید چطور در زندگی ما نفوذ کند، به این حدیث قدسی تکان دهنده گوش بسپارید:

خداوند به حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: «يَا عِيسَى أَنْزِلْنِي مِنْ نَفْسِكَ كَهَمِّكَ وَاجْعَلْ ذِكْرِي لِمَعَادِكَ»^۱. تعبیر «كَهَمِّكَ» خیلی عجیب است. «هم و غم» یعنی آن چیزی که فکر آدم را مدام مشغول کرده است. خوب دقت کنید: یک مادر را در نظر بگیرید؛ وقتی فرزندش تب می کند یا در معرض خطری قرار دارد، این مادر حتی وقتی غذا می پزد، وقتی راه می رود یا وقتی با دیگران حرف می زند، ته دلش دغدغه فرزندش را دارد. این دغدغه، یک لحظه هم او را رها نمی کند.

خدای مهربان می فرماید: من را مثل دغدغه فرزندت در قلبت بنشان؛ یعنی همان طور که مادر مدام نگران حال فرزند و در پی صلاح اوست، ما هم باید در تمام لحظات زندگی، حتی در میان کارهای روزمره، دغدغه رضایت خدا را داشته باشیم.

رسالت ما در این زمان

در این فضای پس از نبردهای سخت و فشارهای روانی، اگر یاد خدا را مثل یک «دغدغه شیرین» در جانمان بنشانیم، آن وقت است که خانه ما بوی

۱. «ای عیسی! مرا در پیشگاه جانت، مثل هم و غمت قرار بده، و یاد مرا توشه همیشگی سفر ابدی ات بدان»، (شیخ صدوق، الامالی، ج ۱، ص ۵۱۴)

بهشت می‌گیرد. بانویی که دغدغه‌اش خداست، از هیچ حادثه‌ای نمی‌لرزد و این آرامش را به همسر و فرزندان‌ش هم سرایت می‌دهد.

خوش آن‌که دلش ز ذکر پُر نور شود
وز پرتو ذکر نفس مقهور شود
اندیشه کثرت از میان بر خیزد
ذاکر همه ذکر و ذکر مذکور شود^۱

نماز، مصداق مهم ذکر خدا

اکنون سؤال این است: این یادِ دائمی و این دغدغه قلبی، کجا خود را نشان می‌دهد؟ کجا باید ما را شارژ کند تا در طول روز از یاد خدا غافل نشویم؟

پاسخ اینجاست: در محرابِ نماز. اگر می‌خواهیم آن «ذکر کثیر» در جانمان ریشه بزند، باید به نماز پناه ببریم. زندگی پر از سختی‌ها و گره‌هاست؛ به‌ویژه در این ایام پس از نبردهای سخت و فشارهای روانی، ما نیاز به یک لنگرگاه داریم. قرآن کریم راه را نشان داده و فرموده است: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»^۲.

نماز تکیه‌گاه محکم سیدالشهدا علیه السلام بود؛ کسی که در سخت‌ترین لحظات کربلا هم دست از مناجات برنداشت. امام سجاده علیه السلام درباره نمازهای امام حسین علیه السلام فرمودند: «أَنْ يُصَلِّيَ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ رَكْعَةٍ»^۳؛ پدرم در هر شبانه‌روز هزار رکعت نماز می‌خواند.

امام حسین علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ»^۴ فرمودند: «این آیه درباره ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است»^۵.

۱. مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی (نخودکی) رحمته الله.

۲. بقره، ۴۵.

۳. ابن جوزی، صفوة الصفوة، ج ۲، ص ۵۲.

۴. حج، ۴۱. «یاران خدا همان کسانی هستند که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را بر پا می‌دارند».

۵. بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۸۹۲.

نماز شب، معجزه آرامش در دل طوفان

یکی از نمازهایی که مستحب مؤکد است و در سیر و سلوکِ اِلِی الله و خودسازی بسیار موثر است، نماز شب است. قرآن کریم در این باره می فرماید: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا»^۱.

خواهران بزرگوار! می دانید در طول روز چقدر انرژی ما صرف مدیریت خانه، تحصیل بچه ها، همسر داری و خرید می شود؟ وقتی شب فرا می رسد، خسته ایم و دلمان می خواهد زود بخوابیم؛ اما یادمان نرود که ما «زین خانه» هستیم؛ ستونِ ایمنِ این سقف. نماز شب برای یک بانو، بیمه کردنِ خود و خانواده و دنیا و آخرت است.

شاید با خود بگویید نماز شب و تهجد مخصوص انبیاست؛ اما بیایید به الگوهای نزدیک خودمان نگاه کنیم. همین شهید عزیزمان، خادم الرضا آیت الله رئیسی را ببینید. او که در میانِ کوهی از مشکلات، طعنه ها و فشارهای خردکنندهٔ اجرایی، همیشه لبخند بر لب داشت و با آرامشی عجیب به مردم خدمت می کرد. نزدیکان ایشان می گفتند هیچ چیز، حتی خسته کننده ترین سفرهای استانی، باعث ترک نماز شب ایشان نشد. این همان نوری بود که در چهره اش می دیدیم. او قدرت بندگی را از دل شب می گرفت تا در روز، بنده و نوکر مردم باشد.

نماز شب، اکسیرِ زندگی بانوی منتظر است و اخلاق را نیکو می کند. بانویی که نیمه شب با خدایش خلوت کرده، صبح که بیدار می شود، سعهٔ صدرش در رفتار با فرزندان و همسرش ده برابر می شود. با هر رکعت نماز شب، نوری را به خانه اش می آورد که سدّ محکمی در برابر ناامیدی و وسوسه های شیطان است.

۱. اسراء، ۷۹. «و یاسی از شب را برای عبادت و بندگی بیدار باش که این افزون [بر واجب]، ویژهٔ توست. امید است پروردگارت تو را [به سبب این عبادت و ویژه] به جایگاهی ستوده برانگیزد».

وقتی در سحرگاه، خدا را صدا می‌زنید و اشک می‌ریزید، برکت و آرامش را به خانه سرازیر می‌کنید. این ذکر و مناجاتِ سحرگاهی، آرامشی است که چشمِ فرزند شما در صبح، آن را می‌بیند. آن نور را در چهره‌تان می‌بیند و با خود می‌گوید: مادرم با خدا ارتباط دیگری دارد. گنجِ سعادتِ خانه، از دلِ بیداری‌های مادر در سحر به دست می‌آید.

هر گنج سعادت که خداداد به حافظ
از یمن دعای شب و ورد سحری بود
مروبه خواب که حافظ به بارگاه قبول
ز ورد نیم‌شب و درس صبحگاه رسید

حافظ به ما می‌گوید که اگر طالبِ گشایش در زندگی و قبولی در بارگاه الهی هستید، کلیدش در کم کردن خوابِ غفلت و غنیمت شمردنِ نیمه‌شب‌هاست؛ چراکه رزقِ معنوی و آرامش حقیقی را نه در هیاهوی روز، بلکه در خلوتِ وردِ سحرگاهان تقسیم می‌کنند.

بانوان، افسران جنگ اقتصادی

بیایید با امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف پیمان ببندیم: «یا صاحب‌الزمان! من برای دلِ شما، از امروز زبانم را حفظ می‌کنم و از اسراف پرهیز می‌کنم تا قلبم آماده پذیرش نور شما باشد».

خوب است هزینه آن بخش از خریدهای اضافی را که قبلاً هدر می‌رفت، کنار بگذارید و به نیت سلامتی آقا، به یاری خانواده‌های نیازمند بشتابید، که این بالاترین عبادت است. حضرت خدیجه علیها‌السلام بهترین الگوی حمایت اقتصادی و معنوی از رسالت ما زنان هستند. امروز زین منتظر می‌تواند با مدیریت اقتصادی خانواده و حمایت از فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، همان نقش را ایفا کند.

جامعه‌ای که در آن غیبت نباشد، اسراف ننگ باشد، همسایه از حال همسایه خبر داشته باشد و زناش ستون آرامش باشند، هیچ‌گاه در بن بستِ پسا جنگ نمی‌ماند. ما با رعایت این خصلت‌ها، نه تنها جامعه‌مان را می‌سازیم، بلکه «تمدنِ مهدوی» را بنا می‌کنیم.

دفترچه راهنمای عملی «بانوی خانه انتظار»

خواهرانم! برای اینکه این معارف در حد حرف باقی نماند، بیا باید یک عهد عملی ببندیم. فرض کنید می‌خواهیم خانه‌مان را برای قدم امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده کنیم. این چهار عمل را برنامه روزانه خود قرار دهیم:

۱. صبح: نیت «نصرت»

همان‌طور که امام خمینی رحمه الله فرمودند، شما انسان‌ساز هستید. از همان لحظه که چشمتان را باز می‌کنید، نیت کنید. وقتی صبحانه آماده می‌کنید، وقتی خانه را مرتب می‌کنید، بگویید: «خدا یا! این کارهای من برای خدمت به سربازان امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.» با این نیت، آشپزخانه شما می‌شود سنگر، و جاروزدن شما می‌شود عبادت. ذکر «یا حی و یا قیوم» در هنگام کار، به خانه برکت و به خودتان نشاط می‌دهد.

۲. ظهر: جهاد «زبان»

در میانه روز که مشغله‌ها زیاد می‌شود و شاید در جمع‌های خانوادگی یا فضای مجازی حضور پیدا کنید، یادتان باشد که «تهذیب» از زبان آغاز می‌شود. بانوی منتظر، زبانش به غیبت، گلایه و ناامیدی نمی‌چرخد. در این فضای پس از جنگ، کارِ زبان ما باید «ارسال پیام آرامش» باشد؛ نه پخش شایعاتی که دل‌ها را می‌لرزاند.

۳. عصر: بازسازی «فکر»

عصرها زمان طلایی برای فرزندان است. به جای رهاکردن بچه‌ها در دنیای مجازی و سرگرم شدن با گوشی و تبلت، نیم ساعت برایشان وقت بگذارید. داستان‌های شجاعت‌شهادتی مثل شهید رئیسی یا قصه‌های مقاومت را برایشان بگویید. مطالعه یک کتاب خوب یا شنیدن یک پادگست معرفتی، شما را برای آن نقش «انسان‌سازی» که امام فرمودند، توانمندتر می‌کند.

۴. شب: بارگاه «قبول»

و اما شب، که وقت رسیدن به آن گنج سعادت است. حتی اگر خسته‌اید، حتی اگر فرصت کم است، شب را با وضو بخوابید و دقایقی قبل از اذان صبح، در خلوت خود با خدا و امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف درد دل کنید. نماز شب شما، همان نوری است که اضطراب‌های ۱۲ روز جنگ و فشار زندگی را ذوب می‌کند و به شما قدرتی می‌دهد که فردا صبح، دوباره «کوه آرامش» خانواده باشید.

بنابراین، انتظار یعنی ساختن خودی که لیاقت دیدار امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را داشته باشد. نیمه شعبان به ما یادآوری می‌کند که: ظهور فقط یک اتفاق تاریخی نیست؛ ثمره دل‌هایی است که آماده شده‌اند.

خدایا! ما را از منتظران واقعی قرار بده؛ منتظرانی که با خودسازی، دنیا را برای آمدن ولی تو آماده می‌کنند.

اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ لِّوَلِيِّكَ الْفَرَجَ



جلسه سوم

صبر و استقامت زنان منتظر

(از صلابت زینبی علیها السلام تا شکوه پایداری در سنگر خانواده)







﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾^۱

زینب علیها السلام، پرچم‌دار ایستادگی

امروز می‌خواهیم جلسه را با نام بانویی که اسوه صبر بودند، متبرک کنیم. اگر به زندگی آدم‌های بزرگ نگاه کنیم، می‌بینیم آن کسی برنده شد که صبرش بیشتر بود؛ همان‌هایی که به تعبیر زیبای امیرالمومنین علیه السلام بر مرکب صبر سوار شدند؛ آنجاکه می‌فرمایند: «مَنْ رَكَبَ مَرْكَبَ الصَّبْرِ اهْتَدَى إِلَى مِصْمَارِ النَّصْرِ»؛ کسی که بر مرکب صبر و بردباری سوار شد، به میدان پیروزی خواهد رسید.

در میان تمام قهرمان‌های تاریخ، نامی است که وقتی می‌آید، صبر خجالت‌زده می‌شود: حضرت زینب کبری علیها السلام. ایشان فقط یک شخصیت تاریخی نیست. زینب علیها السلام یعنی مدیریت بحران در دل آتش و خون. ایشان در برابر تمام سختی‌هایی که دل را خراش می‌دهد و بغض را می‌شکند، مقاومت کرد. خواهران من! زینب علیها السلام عمری مصیبت دید، اما لحظه‌ای از پا نیفتاد. او تربیت یافته دامن وحی بود. همان کسی که در ظهر جان‌سوز عاشورا، وقتی دشمن منتظر بود تا ضعف یا پشیمانی در خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله ببیند، چنان باصلابت رفتار کرد که نقشه‌هایشان نقش بر آب شد.

۱. هود، ۱۱۲. «پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای، ایستادگی کن، و نیز آنان که همراهت به‌سوی خدا روی آورده‌اند (ایستادگی کنند) و سرکشی نکنید که او به آنچه انجام می‌دهید، بیناست. پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن، و کسانی که با تو (به‌سوی خدا) آمده‌اند (باید استقامت کنند) و سرپیچی نکنید، که او آنچه را انجام می‌دهید می‌بیند».

۲. اربلی، کشف الغمّه فی معرفة الاثمه، ترجمه زواره‌ای، ج ۳، ص ۳۴۶.

زینب یعنی استقامت؛ آنجا که نگذاشت سختی‌ها، هدفِ نهضتِ حسینی را منحرف کند. زینب علیها السلام یعنی تحمل رنج‌های جانکاه وقتی که داغ دید و اسارت کشید؛ اما در مقابل کارشکنی‌های دشمن و طعنه‌های بدخواهان، مثل کوه ایستاد تا پیام کربلا زنده بماند. تصور کنید مادری بر سر پیکر عزیزانش برود؛ آنجا چه می‌گوید؟ اما حضرت زینب علیها السلام رو به آسمان کرد و فرمود: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ هَذَا الْقُرْبَانَ»^۱؛ خدایا، این قربانی را از ما قبول فرما.

این جملات مستحکم حکایت از اوج صبر ایشان داشت. در رفتارهای این بانو، نه شکوه بود و نه عجز. او به ما آموخت که در سخت‌ترین لحظه‌ها هم می‌توان به خدا تکیه کرد.

قانون جاودانه تاریخ

باید قبول کنیم که دنیا جای راحتی مطلق نیست. طبیعت زندگی دنیا این است که با مشکلات آمیخته شده؛ کنار گل‌ها، خارهایی است و در کنار عسل‌ها، نیش زنبورانی. اما پیروزی سهم کسی است که خسته نشود. اگر حرکت امام حسین علیه السلام امروز زنده است و به گوش ما رسیده، به دلیل همین استقامت بی‌مانند حضرت زینب علیها السلام است. این صبر و مقاومت یک «قانون جاودانه تاریخ است.» نه فقط برای دیروز بود و نه فقط برای یاران پیامبر صلی الله علیه و آله؛ بلکه امروز هم اگر من و شما در زندگی شخصی مان صبور باشیم، پیروزیم. اما این پیروزی کجاست؟

گاهی پیروزی یعنی همین که بعد از یک روز تلاش و کار در خانه، وقتی با کوهی از ظرف‌های نشسته مواجهید، بچه‌ها با لجبازی‌شان کلافه‌تان کرده‌اند و همسران هم با خستگی و کمی بداخلاقی از در وارد می‌شود، بتوانید زبان به گله باز نکنید. پیروزی یعنی آنجا که حق با شماست، اما برای حفظ حرمت‌ها و ازهم‌نپاشیدن شیرازه خانه، کوتاه می‌آیید و بامتانت رفتار می‌کنید.

۱. مُقَرَّم، مقتل الحسین، ص ۳۰۷.

در تربیت فرزند هم همین است. پیروزی یعنی وقتی ده بار یک حرف درست را به دختر یا پسر تان می‌زنید و آن‌ها گوش نمی‌دهند، خسته نشوید؛ داد نزنید و میدان را خالی نکنید. پیروزی یعنی مادری که در این زمانه که گوشی موبایل و فضای مجازی، فرزندش را محاصره کرده، باحوصله و پایه‌پایش حرکت می‌کند تا ایمان او را حفظ کند.

خواهرانم! حضرت زینب علیها السلام در سخت‌ترین شرایط روحی و جسمی، وقتی از هر طرف به او فشار می‌آمد، مدیریت بحران کرد. من و شما هم اگر می‌خواهیم در زندگی امروزمان پیروز باشیم، نباید با کوچک‌ترین بی‌محلی شوهر یا بهانه‌گیری بچه، از پا درآییم و بگوییم: «دیگر نمی‌کشم!» یعنی همین حالا هم که ما در دوران غیبت امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف هستیم و چشم‌انتظاریم تا ان شاء الله با ظهور ایشان، آن حکومت جهانی پر از عدل و داد برپا شود، باید حواسمان باشد که برای رسیدن به آن حکومت باید صبر و استقامت داشته باشیم. درحقیقت اگر ما منتظر هستیم، باید بدانیم که وظایفی روی دوشمان است.

در جلسه قبل به یکی از این وظایف اشاره کردم و در این جلسه درباره یکی دیگر از آن‌ها که بسیار هم حیاتی و مؤثر است، یعنی «صبر و استقامت» مطالبی را عرض می‌کنم.

مادران شهدا، کوه استقامت

نگاه کنید به این سال‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی و بعد از آن، این چهار دهه‌ای که از عمر انقلاب می‌گذرد. ما در تمام این مسیر، شاهد صبر و مقاومتِ مردانه مجاهدان، رزمندگان و شهدایمان بودیم. اما از آن مهم‌تر، شاهد استقامتِ همچون کوه مادران شهدا نیز بودیم و به حق می‌توان گفت که اگر این ایستادگی‌ها و صبوری‌ها نبود، امروز هیچ اثری از اسلام و انقلاب باقی نمی‌ماند.

مقام معظم رهبری در مورد این صبرِ عجیبِ خانواده‌های شهدا چه زیبا می‌فرمایند. عین عبارت ایشان را برایتان می‌خوانم که نور است:

شما خانواده‌های شهدا صبر کردید؛ مادران صبر کردند؛ مادرانی که طاقت ندارند، خاری را به پای فرزندشان بینند، چطور طاقت می‌آورند بدن غرقه‌به‌خون فرزندشان را بینند و گریه نکنند و اشک نریزند؟! از این قبیل مادران و پدران و همسران داشته‌ایم. امروز هم بحمدالله خانواده‌های شهدای ما این‌گونه‌اند و من خلاف این سراغ ندارم.^۱

یکی از این مادران بزرگوار، مادر شهیدان «خالقی‌پور» است؛ زنی که صبوری‌اش کوه را به زانو درمی‌آورد. وقتی پیکر غرقه‌به‌خون پسرانش را بر درِ خانه آوردند، ایستاد و رو به عکس امام علیه السلام گفت: «اماما! سرت سلامت؛ این بچه‌های ناقابل‌م فدای راهت».

عجیب‌تر این است که وقتی از او پرسیدند: با این همه داغ، می‌خواهی پسر سومت را هم راهی جبهه کنی؟! ناراحت نیستی؟! پاسخ داد: «خیلی ناراحتم؛ اما نه از رفتن بچه‌هایم؛ از این ناراحتم که چرا پسر کم دارم! ای کاش به تعداد موهای سرم پسر داشتم و در این راه فدا می‌کردم».

بینید این روحیه است که مملکت را نگه داشته. حتی رهبر معظم انقلاب وقتی می‌خواهند از مقام همسر گرامی امام راحل علیه السلام تجلیل کنند، دست روی همین صفت می‌گذارند. ایشان در مراسم بزرگداشت آن بانوی بزرگوار فرمودند:

برای ملت ایران، این بانوی معظم خیلی عنصر ارزشمندی بود. ایشان ده‌ها سال در کنار امام عزیز ما - که قبله دل‌های این ملت

۱. بیانات در دیدار مردم مازندران در حسینیه «عاشقان کربلا» ساری، ۲۲ مهر ۱۳۷۴.

بود - در همه آزمایش های دشوار، صبر و استقامت کرده بود؛ با امام همراهی کرده بود؛ خانمی برجسته و خود یک شخصیت بود.^۱

صبر و استقامت زنان منتظر

پس من و شما هم اگر می خواهیم در خیمه حضرت زینب علیها السلام باشیم و ناممان جزو منتظران حجت نوشته شود، باید تمرین صبر کنیم. باید در برابر سختی ها، در برابر امتحانات زندگی و در راه دفاع از حق، استوار بمانیم؛ درست مثل همان مادرانی که از جگرگوشه شان گذشتند، اما از آرمانشان نه. ان شاء الله که شرمنده این ها نشویم.

خواهران من! استقامت زنانه یعنی اینکه در شلوغی زندگی و وسط این همه فشارهای شخصی و معیشتی و... «خودمان» را گم نکنیم. اگر می خواهیم ناممان را در فهرست یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف بنویسند، باید ببینیم در همین اتفاقات ساده روزمره چقدر پای حق می ایستیم. استقامت یعنی: وقتی دست و بال همسرت تنگ است، به جای گلایه و مقایسه کردن زندگی ات با بقیه، محیط خانه را طوری آرام نگه داری که او در خانه اش احساس آرامش کند. این یعنی تو ستون خیمه انقلاب را در خانه ات محکم می کنی.

وقتی فرزندان با یک حرف عجیب از مدرسه برمی گردند، یا در گوشی اش چیزی دیده که ذهنش را به هم ریخته، تو علی رغم خستگی از کار خانه، جای را دم کنی، کنارش بنشینی و باحوصله به حرف هایش گوش بدهی. اینکه نگذاری فضای مجازی جای تو را در دل بچه ات بگیرد، خودش یک جهاد بزرگ است. یا مثلاً وقتی در فامیل و مهمانی، به خاطر نوع زندگی یا حجاب، کنایه ای می شنوی، به جای اینکه کلاً قید آن جمع را بزنی یا قطع رابطه کنی، باوقار و مهربانی سرت را بالا بگیری و روی اصولت بمانی. این یعنی توازن درون ساخته شده ای و با هر تکان کوچکی نمی لرزی.

۱. بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه علی بن موسی الرضا علیه السلام، ۱ فروردین ۱۳۸۸.

زنان، ستون‌های خیمه مقاومت

خواهران من! از انقلاب اسلامی و دفاع مقدس خودمان بگیرید، تا نبرد ۳۳ روزه لبنان، تا این جنگ نابرابر و سخت در یمن، و حماسه طوفان الاقصی در فلسطین و جنگ ۱۲ روزه اخیر، در همه این‌ها می‌دانید ستون اصلی پایداری اجتماعی چه کسی بوده است؟ چه کسی نسل‌ها را تربیت کرده و روحیه مقاومت را زنده نگه داشته است؟ بله، زنان بوده‌اند. این بانوانی که با صبر، ایمان، ایثار و آگاهی‌شان، خانواده‌هایی مقاوم ساختند، همان‌هایی هستند که همسران و فرزندان‌شان در میدان شهادت و دفاع، تاریخ‌ساز شدند.

ببینید چقدر تفاوت هست! درحالی‌که نظام سلطه جهانی، زن را به کالا و ابزار تبلیغاتی فروکاسته، یا او را کلاً از میدان تأثیرگذاری سیاسی و فرهنگی رانده است، اما در منظومه مقاومت اسلامی، زن نه تنها محترم است، بلکه تعیین‌کننده جهت و شتاب حرکت تمام جامعه است.

الگوی به نام «ام‌عماد»

بیا بید یاد کنیم از مادر شهید «عماد مغبیه»؛ همان بانوی بزرگی که فرمانده بزرگ حزب الله و دو فرزند شهید دیگر را در دامانش پروراند. او نماد مادران مقاوم لبنان است. ایشان در وصیتش، فرزندان را به «پایداری تا نابودی اسرائیل» دعوت می‌کند. وقتی خبر شهادت فرزندش را می‌شنود، مثل کوه می‌ایستد. او فقط یک مادر شهید نبود؛ بلکه مربی نسل‌های جهادی در جنوب لبنان، و یکی از تأثیرگذارترین زنان مؤمن در بدنه حزب الله و ساختار فرهنگی آن به شمار می‌رود. این زن، مصداق بارز این آیه نورانی است: «فَأَسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرَتْ»؛^۱ پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن. او در برابر تمام مشکلات پایداری کرد و در مسیر حق، محکم ایستاد.

عزیزانم! مقاومت فقط این نیست که تفنگ به دست بگیریم و در میدان

جنگ با دشمن روبه‌رو شویم؛ بلکه مقاومت یعنی هر نوع پایداری در برابر عواملی که می‌خواهند تعادل و توازن زندگی ما را بر هم بزنند. از این‌رو لزوم مقاومت را در تمام عرصه‌های زندگی می‌توان حس کرد.

قرار نیست همه ما در یک میدان و سنگر باشیم. یکی در خانه، یکی در کلاس دانشگاه، یکی در محل کار و یکی در مسیر مقدس تربیت فرزند. مقاومت یعنی در همان جایی که هستی، درست بایستی. یک بانوی عاشق و منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریع باید در همه عرصه‌های زندگی‌اش، چه در مسائل اعتقادی، چه در سختی‌های اقتصادی و چه در هجمه‌های فرهنگی، صبر و مقاومت داشته باشد.

مقاومت اعتقادی

خواهران عزیزم! وقتی از ایستادگی حرف می‌زنیم، یعنی پا سفت کردن روی مدار ایمان. از همان روزی که آسیه علیها السلام در کاخ فرعون قد علم کرد، تا همین امروز که من و شما در وسط میدان جنگ نرم هستیم، اصل قصه یکی است: «حفظ گوهر دین».

آرایشگری که با صبرش بهشتی شد!

ببینید قرآن چطور از بانوانی یاد می‌کند که زیر سخت‌ترین فشارها، حتی یک قدم از باورشان عقب ننشستند. نمونه‌اش «صیانه ماشطه»، آرایشگر دختر فرعون است. این بانوی پرهیزگار، در ثبات ایمان و صبر و تحمل، کاری کرد که نظیر آن در تاریخ کمتر دیده شده است. روزی هنگام شانه کردن موهای دختر فرعون، شانه از دستش افتاد و گفت: «بسم الله». دختر فرعون پرسید: «آیا پدر مرا می‌گویی؟» صیانه با شهامت گفت: «نه، بلکه کسی را می‌گویم که پروردگار من و تو و پدر توست».

خبر به گوش فرعون رسید. دستور داد تا تنوری از مس گداخته بر پا کنند. اوج

داستان اینجاست که جلوی چشم مادر، فرزندان‌ش را یکی‌یکی در تنور مس گذاخته می‌انداختند تا او فقط یک کلمه بگوید: «فرعون خدای من است.» نوبت به طفل شیرخواره‌اش که رسید، دلِ مادر لرزید و پایش سست شد. کیست که طاقت دیدن سوختنِ جگرگوشه‌اش را داشته باشد؟! اما همانجا معجزه شد و آن نوزاد به اذن خدا لب باز کرد و گفت: «مادر! صبر کن که تو برحقی و تا بهشت فقط یک گام مانده.» صیانه محکم بر اعتقادش ایستاد و ایمانش را به فرعون نفروخت. درست مثل «سمیه» مادر عُمّار یاسر که زیر تازیانه‌های ابوجهل، اولین شهیدِ زنِ تاریخ اسلام شد؛ اما فریاد «أحد أحد» او لرزه بر تن کفر انداخت.

شگفت‌انگیزترین مؤمنان تاریخ

عاشقان و منتظران مهدی فاطمه علیها السلام! آیا می‌دانید شما از دید پیامبر مهربانان صلی الله علیه و آله شگفت‌انگیزترین مؤمنان تاریخ هستید؟ آنجا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «علی جان! عجیب‌ترین ایمان و بزرگ‌ترین یقین، ایمانِ مردمِ آخرالزمان است؛ چون نه پیامبر را دیده‌اند و نه امامشان پیش چشم آن‌هاست؛ اما پایِ خطی سیاه بر کاغذی سفید (قرآن و روایات) ایستاده‌اند».^۱

خواهران من! امروز اگرچه تنور آتشِ فرعون نیست، اما تنور شبهه‌ها و فتنه‌ها داغ است. امروز جبههٔ جنگ از کوچه و خیابان به تلفن همراه و سفره‌های ما آمده است.

۱. «یا علی و اعلم، أن أعجب الناس إيماناً وأعظمهم يقيناً، قومٌ يكونون في آخر الزمان، لم يلقوا النبي، و حُجِبَ عنهم الحجة، فأمنوا بسواك على بياض» (شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۶۶، ۵۷۶۲)

هدف‌گیری قلب جامعه

امروز جبهه جنگ تغییر کرده است؛ مخصوصاً رسانه‌های ارتباطی، از قبیل ماهواره، اینترنت، فیلم‌ها و سریال‌های غربی، در صدد تخریب فرهنگ اسلامی برآمده و بیشترین تلاش دشمن بر زنان و جوانان متمرکز شده است. دشمن به خوبی دریافته که بهترین راه برای دست‌یابی به اهداف شوم خود، تخریب زیرساخت‌ها و بنیان‌های جامعه یعنی زنان و جوانان است.

«روپرت مُرداک»، غول رسانه‌ای صهیونیست صراحتاً گفته است: «برای نابودی ایران، باید خانواده را فرو بپاشیم و برای این کار، باید روی مادران تمرکز کنیم. اگر مادر را به لجن بکشیم، کل جامعه نابود می‌شود».^۱

ببینید چقدر دقیق برنامه‌ریزی کرده‌اند! با فیلم‌های فاسد، با ترویج بی‌حیایی در فضای مجازی و با عادی‌سازی «خیانت» و «تجمل‌گرایی» ریشه ایمان ما را می‌زنند. مثلاً وقتی در یک فیلم یا صفحه مجازی، طوری تبلیغ می‌کنند که زن موفق یعنی زنی که فقط به فکر زیبایی ظاهر و مُدگرایی است، یا وقتی صبوری و حیا را «عقب‌ماندگی» معنا می‌کنند، دقیقاً همان تنورِ فرعون را برای ایمان ما روشن می‌کنند. اما استقامت من و شما یعنی همین که وسط این هجمه‌ها، به جای مُدگرایی، به فکر «حیای فاطمی» باشیم و به جای سرگرم‌شدن به پوچی‌ها، حواسمان به تربیت سرباز برای امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

پایداری در روزگار غیبت

پایداری در دین در عصر حاضر، فقط تحمل سختی‌های جسمی نیست؛ بلکه ایستادگی در برابر فشارهای روحی و معنوی است. دشمن از راه‌های گوناگون به دنبال سست‌کردن باورهای ماست؛ اما دین‌داری در این عصر، مقامی والاتر دارد. اگر در صدر اسلام مردم مفسر وحی را در کنار خود داشتند،

1. <https://fararu.com/fa/news/860674>

ما امروز با وجود این همه فاصله و هجمه‌های رسانه‌ای، پای دینمان ایستاده‌ایم. این همان صبری است که پاداشش با هیچ چیز قابل مقایسه نیست و ما را در زمره منتظران واقعی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الیه قرار می‌دهد.

مقاومت اقتصادی

گاهی تصور می‌کنیم مقاومت، فقط حضور در میدان نبرد و رویارویی مستقیم با دشمن است. وقتی کفار قریش آن عهدنامه ظالمانه را نوشتند و مسلمان‌ها را در «شعب ابی طالب» محاصره کردند، خیال می‌کردند با اهرم فشار گرسنگی و تحریم همه‌جانبه، می‌توانند ایمان مردم را سست کرده، آن‌ها را به زانو درآورند. اما در آن سه سال سخت، آنچه دشمن را شکست داد، تنها شمشیرها نبودند؛ بلکه صبر و استقامت مسلمانان و مدیریت مصرف توسط خانواده‌ها بود. اما تاریخ به ما می‌گوید «سنگر اقتصاد» هم به همان اندازه مهم است.

بیش از همه، بانوی عظیم‌الشان، حضرت خدیجه علیها السلام واقعاً مصداق این آیه هستند که می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْقَائِمُونَ»؛ آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا به جهاد برخاستند، منزلتشان در پیشگاه خدا بزرگ‌تر و برتر است، و فقط اینانند که کامیابند.^۱

ایشان تمام آن ثروت عظیمی که با سال‌ها زحمت و تجارت به دست آورده بودند، به پای نهال نوپای اسلام ریختند. ایشان سه سال تمام در آن سختی، تمام دارایی‌اش را داد تا اسلام پایدار بماند. این یعنی یک زن، با مال و ثروت خود، جهاد اقتصادی کرد.

از یمن تا فلسطین، زنانِ مقاوم

خواهران من! این روحیه، جغرافیا و حدومرز نمی‌شناسد. در جنگ یمن، که با شدیدترین محاصره و بمباران هوایی در قرن اخیر همراه بود، زنان یمنی نقشی دوچندان ایفا کردند. آن‌ها با راه‌اندازی کارگاه‌های خانگی برای دوخت لباس رزم، بسته‌بندی غذا و کمک‌های بهداشتی، و نیز شرکت فعال در راه‌پیمایی‌ها، اجتماعات سیاسی و جلسات قرآنی و انقلابی، پشتوانهٔ بزرگ و بی‌بدیل مقاومت بودند.

زنان لبنانی و یمنی در بازارهای محلی محصولات خانگی تولید کرده، سود آن را به جبههٔ مقاومت اختصاص دادند. مادران فلسطینی در مراسم عزای جشن، به جای اسراف، کمک‌های مردمی را برای جهاد اختصاص دادند. این روحیهٔ جهاد اقتصادی، با هیچ سازوکار دولتی جایگزین‌پذیر نیست.

خانه‌نشینی یا رهاکردن کانون خانواده؟

شاید بپرسید: ما که در خانه نشسته‌ایم، چه وظیفه‌ای در عرصهٔ اقتصاد داریم؟ ما که کاری نمی‌توانیم بکنیم.

ابتداً این‌طور نیست. راه‌حل این است که ما ضمن انجام نقش مقدس مادری و همسری، که تاج افتخار ماست، در فعالیت‌هایی که به چرخهٔ اقتصاد کشور کمک می‌کند و با روحیه و تخصصمان سازگار است، مشارکت کنیم. حضرت امام علیه السلام کلامشان چقدر دلنشین است که فرمودند:

همهٔ ملت ایران، چه زنان و چه مردان باید این خرابه‌ای را که برای ما گذاشته‌اند بسازند. ایران با دست مرد تنها درست نمی‌شود. مرد و زن باید با هم این خرابه را بسازند.^۱

مدیریت خانه، عقل معاشی یک بانوی منتظر

خواهران گرامی! ما که ادعای «منتظر بودن» داریم، باید بدانیم جاده ظهور با «قوی شدن» ما هموار می شود. امروز ما در وسط یک «جنگ تمام عیار ترکیبی» هستیم؛ جنگی که خاکریز آن از مرزها به داخل آشپزخانه ها و سفره های ما کشیده شده است. هدف دشمن در این نبرد، بمباران «امید» و ناامید کردن مردم از طریق فشار به معیشت است.

درست است که نان آور، مرد است، اما در این میدان نبرد، «فرمانده لجستیک و اقتصاد خانه» زن است. بصیرت یعنی بدانیم مصرف بی رویه، چشم و هم چشمی و افتادن در تله تجمل گرایی، دقیقاً مثل این است که در جبهه دشمن بازی کنیم و خشاب آن ها را پر کنیم؛ چون هرچه وابستگی ما به کالاهای تجملی و خارجی بیشتر شود، در واقع راه را برای نفوذ و فشار مستکبران بازتر کرده ایم.

هنر یک بانو در این روزهای سخت نبرد، این است که با خلاقیت و تدبیر، اجازه ندهد سفره خانه که به منزله «عقبه جبهه» است، سست شود. استقامت یعنی همین که با داشته هایمان طوری مدیریت کنیم که هم آبروی خانواده حفظ شود و هم آرامش از این سنگر مقدس نرود. این دقیقاً همان مسیری است که مادران ما در دوران دفاع مقدس با افتخار رفتند. آن ها با «قناعت مجاهدانه» اجازه ندادند فشار جنگ، استقامت و ایمانشان را سست کند.

امروز هم اگر من و شما مراقب خرج های غیر ضروری باشیم و به جای حسرت خوردن برای داشته های پوشالی دیگران، دارایی هایمان را با هنر زنانه مدیریت کنیم، در واقع داریم در برابر پاتک دشمن ایستادگی می کنیم. این ایستادگی، دست کمی از «جهاد در خط مقدم» ندارد؛ چون باصلابت ثابت می کنیم که اراده یک زن مؤمن و منتظر، با نوسانات بازار و نقشه های شوم دشمن سست نمی شود. ما با حفظ انضباط مالی در خانه، در حقیقت در حال صیانت از استقلال و عزت کل کشور هستیم.

پدافند غیرعامل در برابر «نیازهای کاذب»

دشمن از طریق رسانه، مدام به ما القا می‌کند که «اگر فلان وسیله را نداشته باشی، عقب مانده‌ای!» این یعنی ایجادِ نیازِ دروغین.

شگرد دفاعی: قبل از هر خریدی، از خودمان بپرسیم: «آیا من واقعاً به این کالا نیاز دارم، یا فقط چون در فلان صفحه فضای مجازی دیده‌ام، یا همسایه و فامیلم خریده‌اند، می‌خواهم آن را داشته باشم؟».

اگر بتوانیم بر وسوسه خرید چیزی که فقط برای «چشم پرکردن» است غلبه کنیم، در واقع یک عملیات موفقِ دفاعی انجام داده‌ایم. این «نه» گفتن، یعنی ما اجازه نمی‌دهیم دشمن با ابزارِ تجمل‌گرایی، مدیریتِ مالیِ سنگرِ ما را به هم بریزد.

ضد حمله به «فرهنگ مصرف‌زدگی»

دشمن می‌خواهد لذت زندگی در زن ایرانی را فقط در «مصرف کردن» خلاصه کند تا او را از آرمان‌های بزرگ‌تر (مثل زمینه‌سازی ظهور) غافل کند.

شگرد دفاعی: بیایید لذت‌های جایگزین و کم‌هزینه، اما عمیق بسازیم. وقتی به جای پاساژگردی‌های بی‌هدف، با فرزندانمان به یک گلزار شهدا می‌رویم، یا یک میهمانی ساده و باصفا با فامیل می‌گیریم که در آن خبری از تجملاتِ کمرشکن نیست، به فرهنگ دشمن «شبیخون» می‌زنیم. ما با این کار نشان می‌دهیم که خوشبختی ما وابسته به دلارهای آن‌ها و مدهایشان نیست؛ بلکه ریشه در پیوندهای عاطفی و ایمانی ما دارد.

خواهران گلم! در ادبیات جنگ، به این کار می‌گویند «قطع شریان حیاتی دشمن». دشمن روی پول من و شما و تغییر ذائقه ما حساب باز کرده است. وقتی ما با قناعت هوشمندانه و تدبیر زنانه، به داشته‌های خودمان افتخار می‌کنیم و مرعوبِ ویتَرین‌ها نمی‌شویم، بزرگ‌ترین ضربه را در جنگ نرم

فرهنگی به آن‌ها زده‌ایم. این استقامت شما در سنگر خانواده، همان چیزی است که نام شما را در صف مجاهدانِ آخرالزمان ثبت می‌کند.

این‌ها شاید کوچک به نظر برسد، اما وقتی میلیون‌ها بانوی خانه‌دار این کار را انجام دهند، یعنی ما در برابر فشار دشمن روی «سفره مردم»، واکنش داده‌ایم. کدبانوی عزیزی که عاشق و منتظر امام‌زمانت هستی! بیا با کم‌کردن هزینه‌های اضافه و دوری از تجملات و اسراف، مسیر را برای روزهای سخت و البته برای دوران طلایی ظهور آماده کنیم.

ثمرهٔ مقاومت

حالا که بحث به اینجا رسید، بیا ببینیم اصلاً این همه سختی کشیدن و مقاومت چه فایده‌ای دارد؟ ثمرهٔ این همه «نه گفتن» به نفس و ایستادن پای اعتقادات چیست؟ وقتی به قرآن و روایات مراجعه می‌کنیم، به چهار ثمرهٔ شیرین و بزرگ می‌رسیم که اگر این‌ها را بدانیم، دیگر در هیچ طوفانی پایمان نمی‌لرزد:

۱. پیروزی و سربلندی دائمی

اولین ثمره، همین عزت و شکوهی است که تاریخ به آدم‌های مقاوم می‌دهد. عزیزان! قرآن کریم تکلیف را روشن کرده و می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»^۱. ببینید امروز یاد و نام خدیجه و فاطمه زهرا و زینب علیهم‌السلام در چه جایگاهی است؟ ثمرهٔ آن مقاومتِ سخت در شعب ابی‌طالب، جهانی شدنِ اسلام بود. بخشی از ثمرهٔ صبر همسران و مادران شهدا، شد امنیت و اقتدارِ امروز میهن ما. این همان وعدهٔ الهی است که فرموده: پیروزی نهایی از آن صابران است.

۱. منافقون، ۸. «عزت مخصوص خدا و فرستادهٔ او و مؤمنان است».

۲. چشیدن طعم واقعی ایمان

طعم واقعی ایمان را درست در وسط همین «نه» گفتن‌ها خواهیم چشید. تا وقتی همه چیز آرام است و چرخ زندگی بر وفق مراد می‌چرخد، ادعای ایمان، کار سختی نیست؛ اما هنر آنجاست که وسط فشارها، پای امام‌زمانمان بایستیم.

در تنگناهای اقتصادی

استقامت یعنی وقتی ویتترین مغازه‌ها با آن رنگ‌ولعابشان دلت را می‌برند، با وقتی فلان دوست و فامیل مدام از خریده‌های جدیدشان تعریف می‌کنند، تو با خودت بگویی: «الآن اولویت زندگی من، حفظ آرامش همسر و آبروی خانه‌ام است.» صبوری یعنی وقتی به بازار می‌روی، به جای اینکه سه مُدل روسری بخری، به یکی که نیاز داری، قناعت کنی تا فشار مالی به خانواده‌ات نیاید. این «پا روی دل گذاشتن» و گذشتن از آن چیزهای اضافی، شاید ساده به نظر برسد، اما در محضر خدا، این یعنی تو آبروی مؤمن و استقلال خانه‌ات را به لذت لحظه‌ای خرید ترجیح دادی.

در هجمه‌های فرهنگی و طعنه‌ها

وقتی در یک جمع خانوادگی یا در مسیر خیابان، چادرت را محکم‌تر می‌گیری، در واقع به تمام دنیا می‌گویی که انتخاب من، رضایت خداست، نه خوشامد مردم. استقامت یعنی وقتی با طعنه می‌گویند: «در این گرما با این حجاب اذیت نمی‌شوی؟» یا «حالا با یک بار آرایش کردن جلوی نامحرم، اتفاقی نمی‌افتد»، تو با وقار و لبخند، حریم خودت را حفظ کنی. این صبوری در برابر کنایه‌ها و طعنه‌ها، همان کیمیایی است که روح تو را بزرگ می‌کند.

۳. رسیدن به مقام «رضا»

حضرت هاجر علیها السلام وقتی در آن بیابان سوزان و بی‌آب، بین کوه صفا و مروه می‌دوید، فقط یک مادرِ نگران نبود؛ او درحال تمرین «اعتماد به خدا» بود.

تو هم وقتی در خانه‌ات با مشکلات ریز و درشت می‌سازی، با تندی اطرافیان صبری می‌کنی و نمی‌گذاری پرچم حیا و ایمان در خانه‌ات بر زمین بیفتد، مثل هاجر تاریخ‌سازی می‌کنی.

خواهر من! لذت بندگی یعنی همین؛ یعنی وقتی از یک خواسته قلبی‌ات به خاطر امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف گذشتی، یک آرامش عمیق بر دلت بنشیند و بگویی: «الهی رضا برضائک.» این روح بزرگ و ایمان محکم، همان چیزی است که جامعه ما برای رسیدن به ظهور، به آن احتیاج دارد.

صبر تلخ آمد ولیکن عاقبت
میوه شیرین دهد پُرمَنفعت
گندمی را زیر خاک انداختند
پس ز خاکش خوشه‌ها بر ساختند^۱

راهکار مقاومت

خواهران عزیزم! برای اینکه در این آشفته‌بازار رسانه‌ای، خودمان و فرزندانمان را حفظ کنیم، باید دو قدم اساسی و شدنی برداریم که واقعاً در زندگی‌مان تغییر ایجاد کند:

۱. ذائقه‌شناسی و مدیریت ورودی‌های ذهن

همان‌طور که شما برای غذای خانواده وسواس دارید که گوشت و برنج سالم تهیه کنید، برای چشم و گوش هم باید همین‌قدر حساس باشید. دشمن دقیقاً ذائقه ما را هدف گرفته است. وقتی ما مدام صفحاتی را دنبال می‌کنیم که تجملات، جراحی‌های زیبایی بی‌رویه، یا زندگی‌های نمایشی را تبلیغ می‌کنند، به مرور زمان ذائقه‌مان تغییر می‌کند و دیگر از زندگی ساده و آرام خودمان لذت نمی‌بریم.

۱. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول.

بیایید یک «خانه تکانی رسانه‌ای» بکنیم. همین امروز نگاهی به فهرست دنبال‌شده‌هایمان در فضای مجازی بیندازیم؛ هر صفحه‌ای که بعداز دیدنش حس حسرت، ناامیدی، یا دوری از حیا به ما دست می‌دهد، بدون معطلی حذف کنیم. در عوض، صفحاتی را جایگزین کنیم که به ما آرامش، مهارت زندگی یا آگاهی دینی می‌دهند. انتخاب هوشمندانه، یعنی من اجازه نمی‌دهم هرکسی با هر هدفی، وارد خلوتِ ذهنی من شود.

۲. تقویت بنیان‌های خانواده با الگوهای زنده

دشمن می‌خواهد سیلبریتی‌های بی‌هویت را جایگزین مادران ما کند. راه مقابله با این اتفاق، این است که پیوند عاطفی‌مان را در خانه با معرفی الگوهای مناسب محکم کنیم.

پس به جای نصیحت‌های خشک، بیایید در دوره‌های شبانه یا موقع جای خوردن با فرزندانمان، قصه زندگی زنان قهرمانی مثل «صیانه» یا بانوانی که در همین جنگ و انقلاب خودمان با عزت زندگی کردند را تعریف کنیم. وقتی دختر من ببیند که مادرش عاشقانه زندگی حضرت زهرا (ع) را مطالعه می‌کند و در رفتارش هم از او الگو می‌گیرد، می‌آموزد که عزت واقعی در «بندگی و وقار» است، نه در «جلوه‌گری برای غریبه‌ها». صمیمیت که بالا برود، نفوذ افکار مسموم ماهواره و اینترنت به صفر می‌رسد.

در نتیجه: اگر امروز وقتی یک فیلم نامناسب یا یک صفحه مسموم در تلفن همراهتان بالا می‌آید، بااراده از آن می‌گذرید و «کلیک» نمی‌کنید، این کار شما دست‌کمی از ایستادگی صیانه در برابر آتش فرعون ندارد. این همان «ایمان شگفت‌انگیز» آخرالزمانی است که پیامبر (ص) به آن افتخار کرده‌اند. ما با همین مدیریت ورودی‌های ذهن و با همین رفاقت‌های دینی در خانه، لشکر امام‌زمان (ع) را تقویت می‌کنیم.

تداوم مقاومت

اما یک سؤال مهم: چطور این شعله مقاومت را در وجودمان زنده نگه داریم؟ ببینید عزیزان من! مقاومت مثل آتش است؛ اگر به آن هیزم نرسد، آرام آرام سرد و خاموش می‌شود. برای اینکه در مسیر منتهی به ظهور خسته و درراه مانده نشویم، باید سه «سنگر تقویت روحیه» داشته باشیم:

۱. یادآوری مدام «چرایی» مسیر

عزیزان من! هیچ مقاومتی بدون یادآوری آن «چرایی اصلی» زنده نمی‌ماند. ما باید مدام از خودمان بپرسیم: «من اصلاً برای چه پای این سختی‌ها ایستاده‌ام؟» اگر هدف فقط گذران زندگی باشد، کم می‌آوریم؛ اما اگر بدانیم با هربار خریدن کالای ایرانی یا هربار گذاشتن از تجملات، یک قدم مسیر ظهور را هموار می‌کنیم، خستگی دیگر برایمان بی معنا می‌شود. قرآن می‌فرماید: «کسانی که گفتند پروردگار ما خداست و بعد استقامت کردند، فرشتگان الهی برای تقویت روحیه بر آن‌ها نازل می‌شوند.»^۱ یعنی اگر در میدان عمل، پای حرفت ایستادی، امداد غیبی به کمکت می‌آید.

اما مقاومت خشک و مادی، آدم را فرسوده می‌کند. ما به یک «شارژر روحی» نیاز داریم. مادر حضرت موسی علیه السلام را ببینید؛ وقتی نوزادش را به نیل سپرد، دلش لرزید؛ اما خدا می‌فرماید: «ما بر قلب او گره زدیم.» ما هم اگر قلیمان را با نماز اول وقت و توسل به حضرت زهرا علیها السلام به خدا گره بزنیم، در این نبرد پسا جنگ با اسرائیل، هیچ طوفان اقتصادی و فرهنگی‌ای نمی‌تواند ما را بلرزاند.

مقاومت تک نفره خیلی زود آدم را خسته می‌کند. ما باید «ید واحد» باشیم. برای اینکه این حرف‌ها در حد شعار نماند، بیایید دو راهکار عملی و جزئی را از همین امروز در زندگی‌مان پیاده کنیم:

۱. فصلت، ۳۰. «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ».

۲. تشکیل گروه‌های «همیار مقاومت»

به جای دورهمی‌هایی که فقط صرف غیبت یا گله از گرانی می‌شود، گروه‌های کوچک چندنفره بسازید. مثلاً با دو نفر از همسایه‌ها یا جاری و خواهرتان قرار بگذارید که هر ماه به نوبت، به آن کسی که در فامیل تحت فشار مالی بیشتری است یا مریض دارد، یک کمک مخفیانه و آبرومندانه بکنید. یا مثلاً با هم قرار بگذارید که در خریدها، از بُنکداری و عمده‌فروشی خرید کنید تا هزینه‌ها سرشکن شود. وقتی ببینید که در این راه، تنها نیستید و کسی هست که دستتان را بگیرد، ایستادگی در برابر فشارهای اقتصادی برایتان شیرین می‌شود.

۳. عهد «صبرِ پنج دقیقه‌ای» در خانه

عهد ببندیم که هروقت فشار زندگی یا حرف دشمن در رسانه، اعصابمان را به هم ریخت و خواستیم سر همسر یا فرزندمان فریاد بزنیم، فقط پنج دقیقه سکوت کنیم و یک صلوات بفرستیم. همین کار کوچک، یعنی بستن راه نفوذ شیطان به سنگر خانواده. این صبرِ آگاهانه، تمرین استقامتی است که ما را لایق دیدارِ یوسف زهرا عَلَيْهَا السَّلَام می‌کند.

ان شاء الله که با توکل به خدا، نام ما هم در فهرست مجاهدانی ثبت شود که با صبر جمیلشان، خیمه امام‌زمان عَلَيْهِ السَّلَام را برپا نگه داشتند.

اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيَّتِكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ وَاجْعَلْنَا مِنْ خَيْرِ اَنْصَارِهِ وَ
اَعْوَانِهِ وَالمُسْتَشْهِدِيْنَ بَيْنَ يَدَيْهِ.



جلسهٔ چهارم

سکوت؛ شریک جرم

امربه معروف؛ جاده سازی برای عبور کاروان ظهور







﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا
بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾؛

«و چون هر چه به آن‌ها تذکر داده شد در آن غفلت ورزیدند، ما هم
آن جماعت را که از کار بد منع می نمودند نجات بخشیدیم و آنان را
که ظلم و ستمکاری کردند، به کیفر فسقشان به عذابی سخت گرفتار
کردیم.»^۱

داستان عجیب اصحاب سَبْت

اصحاب سبت، گروهی از بنی اسرائیل بودند که در مجاورت دریا زندگی
می کردند. خداوند ماهیگیری در روزهای شنبه را ممنوع اعلام کرد تا
ایمانشان را بیازماید. به اذن الهی، در روزهای شنبه که صید ممنوع بود،
ماهی های بیشتری روی آب می آمدند و خودنمایی می کردند.

افرادی که تقوای ضعیفی داشتند، گفتند: «روز شنبه صید نمی کنیم، اما کنار
ساحل حوضچه هایی درست می کنیم که هر شنبه، ماهی ها وارد آن ها شوند،
سپس راه خروجشان را می بندیم و یکشنبه صیدشان می کنیم!» آن ها گمان
کردند می توانند سر خدا را کلاه بگذارند؛ اما قرآن می فرماید: ﴿وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ
اعْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ﴾؛ «بی تردید شما سرگذشت
کسانی از هم مسلکان خود را که در روز شنبه از فرمان خدا که صید ماهی را

حرام کرده بود عصیان ورزیدند، دانستید که به آنان نهیب زدیم که به صورت بوزینگانی خوار و رانده شده درآیید»^۱.

سکوت؛ جرم نامرئی

اما خواهران من! نکتهٔ تکان دهنده و دردناک این قصه اینجاست که در این ماجرا، فقط آن‌هایی که ماهی صید کردند، عذاب نشدند؛ بلکه آن گروهی که روز شنبه را محترم شمردند و در آن روز، ماهی صید نکردند نیز گرفتار شدند. علت چیست؟

امام صادق (علیه السلام) پرده از این راز برمی‌دارند و می‌فرمایند: «فِي قَوْلِهِ تَعَالَى فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ، قَالَ كَانُوا ثَلَاثَةً أَصْنَفٍ صُنْفٌ ائْتَمَرُوا وَ اَمَرُوا فَتَجَاوَوْا وَ صُنْفٌ ائْتَمَرُوا وَ لَمْ يَأْمُرُوا فَمَسَحُوا ذَرًّا وَ صُنْفٌ لَمْ يَأْمُرُوا وَ لَمْ يَأْمُرُوا فَهَلَكُوا؛ گروهی که هم خود فرمان خدا را اطاعت کردند و هم (به دیگران) فرمان دادند، این‌ها نجات یافتند؛ گروهی که به امر الهی عمل کردند، اما (دیگران را به خودداری از صید) فرمان ندادند، این‌ها به شکل مورچه، مسخ شدند و گروهی که نه خود فرمان بردند و نه فرمان دادند، این‌ها هلاک گشتند».

خواهران من! مادر عزیز! در برابر گناه، نباید سکوت کرد. هنگام نزول عذاب، خداوند متعال نمی‌فرماید این خانم چادرش را محکم گرفته بود، پس کاری به او نداشته باشید. اگر فردی همسایه، فامیل یا همشهری‌اش را دید که تیشه به ریشهٔ دین می‌زند و سکوت کرد، او هم شریک جرم است. قرآن می‌فرماید تنها کسانی نجات یافتند که «يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ» بودند؛ یعنی در برابر زشتی‌ها تذکر دادند، فریاد زدند و بی‌تفاوت نماندند.

وظیفه ما در عصر ظهور و پیوند با نصرت الهی

همان طور که می دانید این آیه و دیگر آیات قرآن، منحصر به قوم یا فرد خاصی نیست و درس عبرت و پندی برای تمام انسان ها می باشد.

ما که در دوره آخرالزمان قرار داریم و منتظر فرج آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم، اگر نسبت به گناهان و منکراتی که در جامعه رخ می دهد، بی تفاوت باشیم، چطور می توانیم توقع داشته باشیم جهان آماده ظهور آقا و حکومت مهدوی شود. منتظران و یاوران واقعی نباید نسبت به مسائل جامعه بی تفاوت باشند؛ بلکه باید ابتدا رفتار خود را اصلاح نمایند، سپس جامعه را امر به معروف و نهی از منکر کنند و در نهایت، زمینه را برای ظهور حضرت حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم نمایند.

ما که نیمه شعبان را از اعیاد بزرگمان می دانیم و این روز را جشن می گیریم، دعای ندبه می خوانیم و برای فرج دعا می کنیم، در کجای این داستان قرار داریم؟ نکند جزو آن دسته باشیم که می گویند: «من که خودم مقیدم و زیارت عاشورايم ترک نمی شود، بقیه هر کاری می کنند به خودشان مربوط است!»

مبادابی طرف یابی تفاوت
همه معروف و منکر واگذاری
میان کربلا باشی ولیکن
امام خویش را تنها گذاری

خواهران عزیز! سکوت در برابر گناه، قبح آن را می شکند و وقتی گناه عادی شد، برکت از جامعه می رود. چطور توقع داریم در جامعه ای که منکر در آن موج می زند، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند؟! یاور واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کسی است که بی تفاوت نباشد.

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن

خداوند متعال بیش از ۱۲۰ مرتبه درباره امر به معروف و نهی از منکر با ما سخن گفته است و ائمه علیهم‌السلام نیز بیش از ۹۰۰ روایت در این باره فرموده‌اند؛ این یعنی این واجب الهی، یک کار حاشیه‌ای نیست، متن زندگی است.

شرط یاری خدا چیست؟

در سختی‌ها و گره‌های زندگی می‌گوییم: «خدا یا! ما که این همه دعا می‌کنیم، چرا مشکلاتمان حل نمی‌شود و نصرت نمی‌رسد؟» پاسخ در آیات ۴۰ و ۴۱ سوره مبارکه حج آمده است. خداوند متعال در آیه ۴۰ سوره حج می‌فرماید: **«وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»**؛ «قطعاً کسی که خدا را یاری دهد، او را یاری می‌دهد». اما چطور خدا را یاری کنیم؟

در آیه بعد، مصداق یاری خداوند را تشکیل حکومت الهی قدرتمند در زمین معرفی می‌کند و وظایفی را برای آن جامعه ترسیم می‌نماید: **«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»**؛ «همانان که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکن دهیم، نماز را بر پا می‌دارند و زکات می‌پردازند و مردم را به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای زشت باز می‌دارند و عاقبت همه کارها فقط در اختیار خداست». بنابر این آیه، افرادی که به حکومت و قدرت می‌رسند، چهار وظیفه بر عهده دارند: اقامه نماز، پرداخت زکات، امر به معروف و نهی از منکر.

پس خواهران گرامی! اگر می‌خواهیم گره از کار کشور باز شود و برکت به سفره‌ها بازگردد، باید خدا و دینش را با احیای این دو فریضه یاری کنیم؛ که از تو حرکت، از خدا برکت! بالاترین نصرت خداوند برای ما، ظهور آقا است که با همین حرکت‌ها و یاری دین خدا محقق می‌شود.

چرا ما بهترین امت هستیم؟

خداوند در کلام نورانی خویش، مدال افتخاری به سینه ما زده است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»، «شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید؛ به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید و به خدا ایمان می‌آورید»^۱.

شما بهترین امتی هستید که برای مردم آفریده شده‌اید؛ اما به چه شرطی؟

چون نماز می‌خوانیم؟! امت‌های پیشین هم نماز داشتند.

چون روزه می‌گیریم؟! آن‌ها هم روزه می‌گرفتند.

شرط بهترین بودن این است: «تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ». چقدر جالب است! در این آیه، امر به معروف و نهی از منکر بر ایمان به خدا نیز مقدم شده است؛ چرا؟ مگر نه اینکه ایمان پایه همه چیز است؟

اولاً، این نشان‌دهنده عظمت این دو واجب است؛ ثانیاً، امر به معروف و نهی از منکر، ضامن بقای ایمان است و اگر این دو نباشند، ایمان هم از دست می‌رود. اگر جامعه رها شود، طوفان گناه، چراغ ایمان فرزندانمان را حتی در کنج خانه‌ها خاموش می‌کند. برتری ما تا زمانی است که مطالبه‌گر و اصلاح‌گر باشیم.

عظمت فریضه در آینه روایات

امیرالمؤمنین (علیه السلام) جمله‌ای دارند که لرزه بر اندام انسان می‌اندازد: «...وَمَا أَعْمَالُ إِلَّا كُفَّةٌ فِي بَحْرِ لُجْجٍ...»؛ تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدا، نزد امر به معروف و نهی از منکر، مثل دمیدنی است بر دریای موج...؛ یعنی مثل قطره‌ای از آب دهان در برابر دریای موج و پهناور!

خواهر من! چرا این امر، این قدر بزرگ است؟ چون اگر امر به معروف نباشد، جهاد هم تعطیل می‌شود؛ اگر نهی از منکر نباشد، نماز هم اقامه نمی‌شود. این دو فریضه، نگهبان کل دین هستند. شما اگر بهترین جواهرات را در خانه داشته باشید، اما درب خانه باز باشد و نگهبانی نباشد، دزد همه را می‌برد.

تمثیل کشتی و سرنوشت مشترک

رسول گرامی اسلام دربارهٔ لزوم امر به معروف و نهی از منکر مثال جالبی فرمودند: «حکایت به پادارندهٔ حدود خدا و مسامحه‌گر در آن، حکایت قومی است که بر تقسیم جا در کشتی قرعه زدند و قسمت بالایی کشتی (عرشهٔ آن) به نام عده‌ای درآمد و پایین آن به نام عده‌ای دیگر. هرگاه افراد طبقهٔ زیرین می‌خواستند آب بردارند، می‌بایست از بالایی کشتی بگذرند. سرنشینان عرشهٔ کشتی گفتند: “به آن‌ها اجازه نمی‌دهیم بالا بیایند و باعث آزار و اذیت ما شوند.” سرنشینان طبقهٔ پایین گفتند: “بهتر است در قسمت خودمان، سوراخی ایجاد کنیم و آن‌ها که در بالا هستند را اذیت نکنیم.” در این صورت، اگر سرنشینان عرشه بگذارند که آن‌ها کشتی را سوراخ کنند، همگی از بین می‌روند و اگر مانع شوند، همگی نجات می‌یابند».

جامعهٔ ما نیز همان کشتی است؛ هر کس بدحجابی، ربا، دروغ، تهمت و... را رواج می‌دهد، در حال سوراخ کردن زیر پای همهٔ افراد جامعه است. نگو: «به من چه»؛ چون هنگام نزول بلا، کل کشتی غرق می‌شود.

بهترین مردم از نظر پیامبر ﷺ

بی‌شک هر کدام از ما دوست داریم جزو بهترین انسان‌ها باشیم. پیامبر ﷺ ملاکش را فرموده‌اند. مردی خدمت پیامبر اکرم ﷺ (در حالی که حضرت بر فراز منبر بود) آمد و پرسید: «مَنْ خَيْرُ النَّاسِ؛ بهترین مردم کیست؟» پیامبر ﷺ فرمودند: بهترین شما کسی است که مدام در سجده باشد، بلکه

فرمودند: «أَمْزَهُم بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاتَّقَاهُمْ لِلَّهِ، آن کس که بیش از همه امر به معروف و نهی از منکر کند و پرهیزگارتر از همه باشد».

عواقب تلخ ترک واجب فراموش شده

خواهران عزیز! بیایید به چند مورد از دردهایی اشاره کنیم که به خاطر سکوتمان ایجاد شده است؛ ترک این واجب، پیامدهای وحشتناکی دارد که الان داریم طعم تلخشان را می چشیم.

۱. عذاب همگانی و سوختن تروخشک

در داستان اصحاب سَبْت، فقط ماهی گیرها عذاب نشدند؛ بلکه آن دسته از مؤمنانی که هیچ گناهی مرتکب نشده بودند، اما بی تفاوت بودند و با دیدن گناه بقیه، لب باز نکردند نیز دچار همان عذاب شدند و مسخ گردیدند. خداوند متعال در آیه ۲۵ سوره مبارکه انفال می فرماید: «وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُكَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً...»؛ «پرهیزید از عذابی که فقط به ستمکاران از شما نمی رسد (بلکه وقتی نازل شود، همه را فرا می گیرد؛ ستمکاران را به خاطر ستم و اهل ایمان را به سبب اختلاف و نزاع و ترک امر به معروف و نهی از منکر) و بدانید که خدا سخت کیفر است».

امام خامنه ای رحمته الله علیه می فرمایند:

... ممکن است در یک ساختمان، آن کسی که بنزین می ریزد و بی احتیاطی می کند و کبریت می کشد، یک نفر باشد؛ اما کسی که می سوزد، فقط آن یک نفر نیست. ممکن است یک نفر کشتی را سوراخ کند؛ اما کسی که غرق می شود، فقط آن یک نفر نیست. قرآن می گوید از یک چنین فتنه ای پرهیز کنید؛ که وقتی آمد، فقط دامن آن کسی را که موجب فتنه است، دامن آن کسی را که ظالم است، نمی گیرد؛ دامن بی گناه ها را هم می گیرد؛ دامن کسانی را هم که در ایجاد این فتنه تأثیر نداشته اند، می گیرد. «وَاتَّقُوا»؛ از یک چنین

فتنه‌ای پرهیز کنید، مراقب باشید. لازمه این کار چیست؟ لازمه‌اش خودنظارتی است؛ یعنی بر یکدیگر نظارت کنیم؛ «وَتَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ»؛^۱ دائم تواصی کنیم.

خواهر عزیز! وقتی در کوچه، محله یا مجتمع مسکونی، بی‌احترامی، بدزبانی، بی‌حجابی و گناهان دیگری دیده می‌شود و هیچ‌کس دل‌سوزانه تذکر نمی‌دهد، به تدریج آرامش کل آن محله یا ساختمان از بین می‌رود و حتی آن‌هایی که خودشان مقید بوده‌اند نیز آسیب می‌بینند. این محله و ساختمان مانند همان کشتی که هرکسی بخواهد جایگاهش را با گناه کردن سوراخ کند، مطمئناً همه را گرفتار می‌نماید. مراقب کشتی محله و مجتمع خود باشید و بی‌تفاوت رد نشوید!

مولایمان امام صادق علیه السلام چقدر صریح و تکان‌دهنده می‌فرمایند: «مَنْ لَهُ جَارٌ وَ يَعْمَلُ بِالْمَعَاصِي فَلَمْ يَنْهَهُ فَهُوَ شَرِيكُهُ؛ هرکس همسایه‌ای داشته باشد که اهل گناه است و او را نهی نکند، در گناه او شریک است». خانم‌های محترم! این یعنی اگر بتوانم با زبانی نیکو و خوش، مانع انجام گناهی شوم، ولی سکوت کنم، پای نامه عمل من نیز جزای آن گناه را می‌نویسند. درحالی‌که هیچ‌کدام از ما نمی‌خواهیم شریک جرم باشیم، بلکه می‌خواهیم شریک ثواب و خیر باشیم. تصور کنید در ساختمان مدرنی زندگی می‌کنیم که سیستم تهویه مرکزی دارد. اگر یکی از واحدها دود و آلودگی ایجاد کند و بقیه ساکنین سکوت کنند، هوای مسموم از طریق کانال‌های مشترک به ریه فرزندان همه ما می‌رسد.

۲. از بین رفتن برکت در خانواده

عزیزانم! گاهی در حال دویدن هستیم، اما نمی‌رسیم؛ برکت از مال، عمر و زندگی مان رفته است؛ می‌دانید چرا؟

پیامبر اکرم ﷺ در این مورد هشدار داده‌اند و فرموده‌اند: «لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعْتُ عَنْهُمْ الْبَرَكَاتِ؛ همواره امت من در خیر و خوبی به سر خواهند برد، مادامی که امر به معروف و نهی از منکر نموده و در کارهای نیک همکاری داشته باشند و اگر این امور را ترک کنند، برکت از میان آنان خواهد رفت».

مادری که می‌بیند فرزندش ساعت‌ها غرق در فضای رهاشده مجازی است و فیلم‌ها یا بازی‌های نامناسب (گناه) می‌بیند، اما برای اینکه «صدای فرزندش بلند نشود» یا «سرگرم باشد» سکوت می‌کند، در حال امضای حکم بی‌برکتی آینده فرزندش است. اینکه بگوییم: «بزرگ می‌شود، خودش می‌فهمد»، رها کردن فرزندمان در طوفان است. وقتی گناه چشم و ذهن در خانه عادی شود، آرامش و ادب از آن خانه پَر می‌کشد. تذکر دل‌سوزانه و نظارت مادرانه، دیوار برکت خانه شماست!

اینکه در نیمه شعبان جشن بگیریم، کوچه و خیابان و محافل را تزیین و چراغانی کنیم و به رحمت و برکت الهی امید داشته باشیم، ولی نسبت به گناه جامعه بی‌تفاوت باشیم و امر به معروف و نهی از منکر نکنیم، در اصل، مانع نزول رحمت و برکات الهی می‌شویم.

گاهی در جمع‌های زنانه، از خریده‌های غیرضروری و اسراف صحبت می‌شود. اگر می‌بینم دوستم برای خرید فلان وسیله در رقابت با دیگران، همسرش را تحت فشار مالی غیرشرعی قرار می‌دهد و به جای نصیحت، او را تشویق کنم، در واقع در آن فشار و بی‌برکتی شریک شده‌ام.

۳. مسلط شدن بدان بر خوبان

پیامبر ﷺ فرمودند: «إِذَا لَمْ يَأْمُرُوا بِمَعْرُوفٍ وَ لَمْ يَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لَمْ يَتَّبِعُوا الْأَخْيَارَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ شَرَارَهُمْ، فِيدْعُوا عِنْدَ ذَلِكَ خِيَارَهُمْ فَلَا يَسْتَجِابُ لَهُمْ؛ هرگاه (مردم) امر به معروف و نهی از منکر نکنند و از نیکان

خاندان من پیروی ننمایند، خداوند بدان‌شان را بر ایشان مسلط گرداند و در این هنگام، نیکانشان دعا کنند و دعایشان مستجاب نشود».

خواهران عزیزم! پیامبر ﷺ هشدار تکان دهنده‌ای داده‌اند. این فقط مربوط به سیاست و اقتصاد کلان نیست؛ بلکه از آشپزخانه و تربیت فرزندان آغاز می‌شود. اگر مادری ببیند فرزندش به مطالب نامناسب فضای مجازی عادت کرده و سکوت کند، در واقع اجازه داده فرهنگ بیگانه بر ذهن فرزندش مسلط شود. اگر در مهمانی‌های زنانه، وقتی غیبت می‌شود یا حیا کم‌رنگ می‌گردد، بآلبخندی مهربان و سیاستی زنانه، مسیر بحث را عوض نکنیم، به تدریج فضای فامیل چنان سنگین می‌شود که ما مذهبی‌ها در میان نزدیکانمان غریبه و در اقلیت می‌شویم.

۴. قفل‌شدن درهای استجاب دعا

خیلی‌ها می‌گویند: «خانم! ما این همه نذرونیاز کردیم، چرا نشد؟»

امام علی علیه السلام فرمود: «لَا تَتَّكُوا الْأُمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَوَّلَى عَلَيْكُمْ أَشْرَاكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يَسْتَجَابُ لَكُمْ؛ امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید، زیرا در این صورت افراد نادرست بر شما مسلط می‌گردند؛ آنگاه دعا می‌کنید و دعایتان مستجاب نمی‌شود».

خواهر من! استجاب دعا، یک رابطه دوطرفه است. وقتی نسبت به گناه جامعه بی‌تفاوتیم، چطور توقع داریم خدا به حرفمان گوش دهد؟ کسی که نسبت به احکام خدا بی‌غیرت است، دعایش پشت ابرهای ماند. خانمی که شب‌وروز برای عاقبت به خیری فرزندش ضجه می‌زند، اما در برابر رفیق بد، پوشش نامناسب یا محتوای آلوده‌گوشی او (فقط برای اینکه دل فرزندش را نشکند) سکوت می‌کند، نباید تعجب کند اگر دعایش اثر نمی‌کند. یا وقتی در یک مهمانی، غیبت خواهرشوهر یا جاری می‌شود و ما برای حفظ کلاس و دوری از حاشیه، لب‌خند می‌زنیم، در واقع در حال قیچی کردن سیم ارتباطی خودمان با خداوند هستیم.

از کجا شروع کنیم؟ خودمان

خانم‌های محترم! بزرگ‌ترین تبلیغ، عمل است. به عنوان مثال در بحث حیا، اگر به دختر جوانم از فضیلت چادر بگویم، اما خودم در مقابل نامحرم حریم‌ها را رعایت نکنم، یا در جشن‌های مذهبی (مثل همین جشن نیمه شعبان) به بهانه جشن و شادی طوری لباس بپوشم که از نظر دیگران، مناسب جشن باشد و در حجاب و عفتم کوتاهی کنم، کلام من برای فرزندم، جز یک شعار خسته‌کننده نخواهد بود.

مادر عزیز! دخترمان باید حجاب فاطمی را تمام و کمال در ما ببیند. آیا می‌دانید حضرت زهرا (علیها السلام) چگونه پوششی داشتند؟ در تاریخ آمده است که وقتی برای ایراد خطبه فدکیه به مسجد کوفه آمدند، سه پوشش داشتند؛ ابتدا روسری کوچکی بر سر بستند، مقنعه‌ای پوشیدند و سپس، پارچه بلندی بر سر انداختند و همه بدنشان را پوشاندند.

عزیزانم! مردم بنده و برده رفتار ما هستند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ؛ کسی که خود را پیشوای مردم قرار می‌دهد، باید پیش از آموزش دیگران، به آموزش خود بپردازد». اگر می‌خواهیم کلاممان برکت داشته باشد، باید ابتدا خودمان طعم شیرین آن عمل خیر را چشیده باشیم.

بازبان محبت در خانواده و دوستان

عزیزان من! خانه نباید مثل خوابگاهی باشد که فقط در آن بخوریم و بخوابیم. خانه باید همانند یک بال باشد؛ بالی که تمام اعضای خانواده را با هم به اوج ببرد؛ به سمت خدا و عاقبت به خیری. ما خانم‌ها، محور این خانه‌ایم. اگر من و شما دغدغه دینمان را داشته باشیم، فضای خانه نورانی می‌شود. اما یک لحظه از خودمان بپرسیم: «آیا ما فقط مسئول شکم و لباس فرزندان و همسرمان هستیم؟ یا در مقابل عاقبت آن‌ها نیز مسئولیم؟»

خداوند در سوره مبارکه تحریم، در جمله تکان دهنده‌ای می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»؛ «ای مؤمنان! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است، حفظ کنید».^۱

شاید بگویید: «ما از پس خودمان بر نمی‌آییم، چه برسد به بقیه!» جالب است بدانید عبدالاعلی از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که فرمود: «هنگامی که آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» نازل شد، مردی از مسلمین درحالی که گریه می‌کرد، گفت: “من از خودم عاجزم، حال آنکه خانواده‌ام نیز به من سپرده شده است”. رسول خدا ﷺ فرمودند: “امر کردن آن‌ها به آنچه به نفس خویش امر می‌کنی و نهی کردن آن‌ها از آنچه نفس خویش را از آن نهی می‌کنی، برای تو کافی است”.

اما خواهران من! اشتباه نکنیم! امر به معروف در خانه یعنی دل‌سوزی، نه پلیس‌بازی و میچ‌گیری. زندگی بر پایه همدلی بنا شده است. اگر می‌بینید همسران خدای‌ناکرده به لقمه شبهه‌ناکی نزدیک شده، یا در واجبات سستی می‌کند، شما رفیق شفیق او هستید و باید دستش را بگیرید. همان‌طور که اگر ببینید عزیزتان به لبه پرتگاهی نزدیک شده است، فریاد می‌کشید و نجاتش می‌دهید، اینجا هم باید با تواضع به حق، او را حفظ کنید؛ همانند «شهید ابراهیم هادی» که با رفتار و گفتار نرمش، خیلی‌ها را راهنمایی کرد.

در کتاب «سلام بر ابراهیم» از این نمونه‌ها بسیار است. به عنوان نمونه، عصر یکی از روزها بود و ابراهیم از سر کار به خانه می‌آمد. وقتی وارد کوچه شد، برای یک لحظه نگاهش به پسر همسایه افتاد؛ با دختری جوان مشغول صحبت بود. پسر تا ابراهیم را دید، بلافاصله از دختر خداحافظی کرد و رفت. می‌خواست نگاهش به نگاه ابراهیم نیفتد. چند روز بعد، دوباره این ماجرا تکرار شد. ابراهیم در مقابل آن پسر قرار گرفت و شروع کرد به

سلام و علیک کردن و دست دادن. پسر ترسیده بود، اما ابراهیم مثل همیشه لبخندی بر لب داشت. قبل از اینکه دستش را از دست او جدا کند، با آرامش خاصی گفت: «بین، در کوچه و محله ما این چیزها سابقه نداشته. من، تو و خانواده‌ات را کامل می‌شناسم. تو اگر واقعاً این دختر را می‌خواهی، من با پدرت صحبت می‌کنم که...».

جوان وسط حرف ابراهیم پرید و گفت: «نه، تو رو خدا به بابایم چیزی نگو! من اشتباه کردم و...» ابراهیم گفت: «نه! منظورم را نفهمیدی. من امشب در مسجد با پدرت صحبت می‌کنم تا ان شاء الله بتوانی با این دختر ازدواج کنی. دیگر چه می‌خواهی؟!» جوان که سرش را پایین انداخته بود، خیلی خجالت زده گفت: «بابایم اگر بفهمد خیلی عصبانی می‌شود». ابراهیم جواب داد: «پدرت با من! حاجی را من می‌شناسم. آدم منطقی و خوبی هست...»

شب بعد از نماز، ابراهیم در مسجد با پدیر آن جوان صحبت کرد. اول از ازدواج گفت و اینکه اگر کسی شرایط ازدواج را داشته باشد و همسر مناسبی پیدا نماید، باید ازدواج کند. در غیر این صورت، اگر به حرام بیفتد باید پیش خدا جواب‌گو باشد. این بزرگترها هستند که باید جوان‌ها را در این زمینه کمک کنند. حاجی هم حرف‌های ابراهیم را تأیید کرد؛ اما وقتی حرف از پسرش زده شد، اخم‌هایش در هم رفت. ابراهیم پرسید: «حاجی اگر پسرت بخواهد خودش را حفظ کند و به گناه نیفتد، در این شرایط جامعه، کار بدی کرده؟» حاجی بعد از چند لحظه سکوت، گفت: «نه!»

یک ماه از آن قضیه گذشت. یک شب وقتی ابراهیم از بازار برمی‌گشت، آخر کوچه چراغانی شده بود و لبخند رضایت بر لبان ابراهیم نقش بسته بود. او این‌طور با امر به معروف باعث شد جوانی از گناه دور شود.

یادمان باشد، ابزار ما خانم‌ها باید محبت، خوش‌زبانی و تدبیر باشد. با بداخلاقی و سرزنش، کسی نماز خوان نمی‌شود! زن هنرمند کسی است که

زبان نرم دارد. او می‌گردد و زمان طلایی را پیدا می‌کند و وقتی که همسرش در آرامش است، با مهربانی حرفش را می‌زند، طوری که همسرش احساس کند او بهترین رفیق و مشاورش است.

در مورد فرزندان، کار خیلی ظریف‌تر است. تربیت، باغبانی است، می‌چگیری نیست؛ تا با فرزندت رفیق نشوی، حرفت روی او اثر نمی‌کند. اول باید درب دل نوجوان را به روی خودت باز کنی تا بتوانی بذر نصیحت را در آن بکاری. تذکر بدهید، اما با حفظ کرامت فرزندان؛ نه جلوی دیگران و نه با تحقیر! بچه‌ها آن‌گونه که ما می‌گوییم، نمی‌شوند؛ بلکه آن‌طور که ما هستیم، خواهند شد.

اما یک شبهه بزرگ! شیطان می‌گوید: «خانم! تو که هنوز خودت کامل نیستی، تو که هنوز فلان اخلاق بد را داری، چطور می‌خواهی به دیگران تذکر بدهی؟» این فریب شیطان است تا ما را ساکت کند. کمال انتها ندارد. اگر قرار باشد تا کامل شدن صبر کنیم، تا لحظه مرگ نباید حرف بزنیم. خودسازی و جامعه‌سازی دو بال یک پرنده‌اند و باید با هم حرکت کنند.

بله، مؤمن همانند عطر است؛ تا وقتی درب شیشه عطر بسته باشد (خودسازی محض بدون اثر اجتماعی)، فقط خودش خوشبوست؛ اما وقتی درب آن باز شد، تمام فضا را معطر می‌کند. ما وظیفه داریم فضای جامعه‌مان را با بوی خوش اخلاق و دین‌داری معطر کنیم.

مراحل و شروط (چگونه تذکر بدهیم؟)

ایمان قلبی یا اقدام عملی؟!

خواهران من! اینکه در اعماق وجودتان از گناه بیزارید، نعمتی بزرگ است؛ اما آیا تمام وظیفه همین است؟! قرآن کریم ملاک بهترین امت بودن را صرفاً در ناراحتی درونی نمی‌داند، بلکه می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ

تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ یعنی اقدام کنید، امر کنید و بازدارید.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز می فرمایند: «وَمِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ التَّارِكُ بِيَدِهِ، فَذَلِكَ مُتَمَسِّكٌ بِخَصْلَتَيْنِ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ وَ مُضَيِّعٌ خَصْلَةً؛ گروهی دیگر تنها با زبان و قلب به مبارزه برمی خیزند، اما با دست کاری انجام نمی دهند؛ آن ها به دو خصلت از خصلت های نیک تمسک بسته اند و یکی را ضایع کرده اند».

بدون شک، افراد ناتوان و یا افراد توانمند فاقد مسئولیت، نخستین چیزی که ترک می کنند، اقدامات عملی در راه نهی از منکر است؛ تنها در قلبشان از آن متنفرند و با زبان، نصیحت و اعتراض می کنند. آن ها در برابر دو قسمتی که انجام داده اند، مأجورند و درباره ترک مبارزه عملی با منکر، در صورتی که قدرت داشته باشند، مسئولیت سنگینی در پیشگاه خداوند دارند.

این یعنی ایمان واقعی، تنها یک احساس درونی نیست، بلکه باید در رفتارمان سرریز شود. کسی که بگوید: «در دلم ناراحتم و همین کافی است»، همانند سربازی است که در میانه جنگ، اسلحه را زمین بگذارد و بگوید: «من از کشته شدن همزمانم خیلی غصه دارم».

خیر! غصه قلبی باید موتور حرکت ما باشد، نه ایستگاه پایانی. البته این فریضه، مراتب و مراحل دارد که رعایت ترتیب آن ها واجب است. بیایید از اولین قدم شروع کنیم.

۱. مرحله قلبی (حداقل ایمان)

مرحله قلبی یعنی در چهره ات نشان بدهی که ناراحت هستی؛ با یک اخم سنگین، با سرد شدن در سلام و علیک، با قطع کردن صحبت و اگر کسی غیبت می کند، بلند شو و آنجا را ترک کن. او باید بفهمد که تو از این کار خوش نمی آید. فقط در دل ناراحت بودن کافی نیست؛ باید پیامت را صادر کنی.

خواهران عزیزم! منتظران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیایید با عزم استوار، این واجب فراموش شده را احیا کنیم. گمان نکنید همین که در دلمان از گناه ناراحت باشیم، تکلیف از گردنمان ساقط شده است؛ قلب پاک باید زبان خیر هم داشته باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ... فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِقَلْبِهِ وَ ذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيْمَانِ؛ هرکس منکری دید، باید آن را تغییر دهد؛ اگر نتوانست، با زبانش و اگر نتوانست، با قلبش و این ضعیف‌ترین درجهٔ ایمان است».

بیایید مادرانه و دل‌سوزانه مراقب دین خانواده و جامعه‌مان باشیم تا ان شاء الله به یاری خدا، با دستانمان مسیر ظهور را هموار سازیم.

۲. مرحلهٔ زبانی (سلاح اصلی بانوان)

اگر تغییر در چهره و رفتارمان، بر طرف مقابل اثر نکرد، نوبت به سلاح بیان می‌رسد که اصلی‌ترین ابزار ما بانوان است. این مرحله، هنر ما زن‌هاست؛ با زبان نرم، با محبت، با دل‌سوزی. مادرانه تذکر بدهید! مادری که به دخترش می‌گوید: «عزیزم! این پوشش در شأن و ارزش تو نیست»، این یعنی امر به معروف زبانی. تذکر باید همانند نسیم باشد، نه مثل طوفان که طرف مقابل را فراری دهد.

۳. مرحلهٔ عملی (وظیفهٔ دولت)

بگیروبند و برخورد فیزیکی، وظیفهٔ من و شما نیست؛ وظیفهٔ حکومت و ضابطین است. ما نباید خودسرانه کاری کنیم که چهرهٔ دین خراب شود. وظیفهٔ ما فقط تبیین و تذکر است. یکی از مواردی که می‌توانیم امر به معروف کنیم و کمک‌کار جمهوری اسلامی باشیم، تبیین فتنه‌های دشمن است.

این فتنه‌ها همیشه و هر زمان بوده و اکنون، بعد از جنگ نظامی ۱۲ روزه شدت گرفته و دشمن به دنبال ایجاد فتنه‌های جدیدی است. ما باید خانواده و اطرافیانمان را از این فتنه‌ها آگاه کنیم و اگر شخصی را می‌شناسیم که با حرکات

و سخنان و پیام‌هایش، در راستای فتنه عمل می‌کند، به او تذکر بدهیم و موقعیت را برایش تبیین کنیم. باید در حد خودمان، مانع پرورش فتنه شویم. اگر در این مورد کوتاهی کنیم، خدایی ناکرده در آینده، خانواده و کشورمان دچار تزلزل و مشکل می‌شود و این من و شما هستیم که ضربه می‌خوریم.

شروط طلایی برای اثرگذاری

اول شناخت، بعد اقدام

نخستین گام این است که واجب یا حرام را تشخیص دهیم. نباید براساس سلیقه شخصی یا مُد روز، به کسی تذکر بدهیم. اگر بدون آگاهی سخن بگوییم، ممکن است حلال خدا را حرام جلوه دهیم و به جای اصلاح، خراب کاری کنیم. پس، در ابتدا باید مرز شرع را دقیق بشناسیم.

به کرسی نشاندن حرف یا تخلیه خشم؟

هدف ما اصلاح است، نه برتری جویی. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ عَمَلٍ»؛ یعنی از کسانی نباش که آخرت و مقامات معنوی را طلب می‌کنند، ولی برای رسیدن به آن کاری انجام نمی‌دهند.

کار دینی باید با عقل و اثرگذاری همراه باشد. مادری که می‌داند تذکرش در آن لحظه خاص، فقط باعث لجبازی نوجوانش می‌شود، باید زیرکی به خرج دهد؛ یعنی اصل تذکر را حذف نکند، بلکه زمان مناسب را شکار کند تا حرفش به جان فرزندش بنشیند.

تفاوت غافل با مغرض (اصرار بر گناه)

این تکلیف (نهی از منکر) زمانی واجب است که فرد بر گناهش اصرار داشته باشد. مثلاً در یک مهمانی، اگر می‌بینید خانم متدینی از روی غفلت یا عجله، روسری اش جابه‌جا شده، اینجا جای نهی از منکر نیست! کافی است دل سوزانه و خصوصی، به او بگویید: «عزیزم، روسری ات کمی عقب رفته».

اما اگر کسی عمداً و با سماجت می‌خواهد حیا را زیر پا بگذارد، کلام جدی و سلسله مراتب شرعی واجب می‌شود.

نبود مفسده

اگر می‌دانید تذکر دادن باعث فتنه بزرگی می‌شود یا جان و آبروی شما را به خطر جدی می‌اندازد، این کار واجب نیست. دین ما دین عقلانیت است!

نتیجه‌گیری و میثاق مهدوی

خواهران عزیزم! ما در حساس‌ترین برهه تاریخ قرار داریم. چشم امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به دست‌های من و شماست. بیایید از امروز عهد ببندیم که بی تفاوت نباشیم. امر به معروف یعنی دل سوزی؛ یعنی من دلم نمی‌آید تو با گناه، خودت را جهنمی کنی.

بیایید با زبان خیر، با محبت زینبی و با استقامت فاطمی، خوبی‌ها را در خانه و محله‌مان زنده کنیم. جامعه‌ای که در آن امر به معروف زنده باشد، جامعه‌ای زنده، پویا و لایق دیدار یار است.

خدایا! به برکت قرآن و عترت، ما را از خواب غفلت بیدار فرما.

خدایا! به زبان ما نفوذ، به قدم‌هایمان برکت و به دل‌هایمان شجاعتِ احیای دینت را عطا کن.

پروردگارا! نسل و فرزندانمان را از فتنه‌های آخرالزمان مصون بدار.



جلسه پنجم

مادران منتظر؛ معماران نسل ظهور

خانه منتظر؛ پرورشگاه بصیرت و قانون اقتدار شیعه







آرزوی شهید

به تمنای طلوع تو، جهان چشم به راه
 به امید قدمت، کون و مکان چشم به راه
 سال ها می رود و حرف دل من این است
 تا به کی صبر کنم؟ تا چه زمان چشم به راه؟

یکی از دوستان «شهید عبدالمهدی مغفوری» تعریف می کرد که یک بار به ایشان گفتم: «آقا مهدی! چه آرزویی داری؟» گفت: «آرزو دارم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند و در خدمتشان باشم». بعد انگار بداند به زودی شهید می شود، گفت: «اگر من نبودم و آقا ظهور کرد، سلام مرا به او برسانید و بگویید مهدی آرزوی ظهور و دیدار شما را داشت. بگویید مهدی عاشق عدالت بود و از فساد و تباهی و کار ناصواب دل تنگ و آماده خدمت در رکاب شما بود.»

ما عاشقان آقا هم دلمان برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می تپد. همه ما وقتی دعای ندبه می خوانیم، اشک می ریزیم و می گوییم: «آقا جان! بیا ما چشم به راهیم». تمام دل تنگی و اضطراب ما منتظران فرج به این دلیل است که زمان آمدن آقا را نمی دانیم.

در حقیقت، ائمه اطهار علیهم السلام ویژگی های دوران ظهور و نشانه های آن را بیان کرده اند، اما از بیان زمان ظهور خودداری کرده اند و حتی مردم را از مشخص کردن زمان خاصی برای ظهور ایشان، نهی نموده اند.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «...؛ وقت گزاران دروغ می‌گویند. ما در گذشته، وقت (ظهور) را تعیین نکرده‌ایم و در آینده نیز تعیین نمی‌کنیم».

درست است که زمان ظهور معین نیست، ولی ما هر لحظه باید خود را آماده کنیم و سؤال مهم این است که اگر در زمان ما اتفاق نیفتاد و در نسل بعد، آقا ظهور کردند، آیا آن‌ها هم آماده خواهند بود؟ آیا امامشان را می‌شناسند و برای دفاع از حق تربیت شده‌اند؟ به نظر شما، این وظیفه کیست؟ قطعاً مهم‌ترین وظیفه منتظران، به‌ویژه زنان، تربیت نسل مهدوی است. در جلسات قبل وظایف متعددی را بیان کردیم، ولی نباید از این وظیفه مهم هم غافل ماند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «...؛ بدانید که همه شما سرپرست هستید و دربارهٔ زیردستانان بازخواست می‌شوید. آن امیری که بر مردم فرمان می‌راند سرپرست است و نسبت به رعیتش بازخواست می‌شود؛ مرد، سرپرست خانوادهٔ خویش است و دربارهٔ آن‌ها باید پاسخ‌گو باشد و زن، سرپرست خانه و فرزندان شوهر خود است و دربارهٔ آن‌ها باید پاسخ دهد».

مادران منتظرپرور

در طول تاریخ تشیع، یکی از نقش‌های بی‌بدیل زنان، دفاع از ولایت و تلاش برای حفظ این ارزش الهی بوده است؛ همچون نقش حضرت خدیجه علیها السلام در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دفاع از دین، حضرت زهرا علیها السلام در کنار امیرالمؤمنین علیه السلام در دفاع از ولایت و حضرت زینب علیها السلام در کنار حضرت سیدالشهدا علیه السلام در پابرجاماندن تاریخ عاشورا.

و اکنون که در عصر غیبت زندگی می‌کنیم، از نقش‌های مهم ما بانوان در کنار وظیفهٔ خانه‌داری و همسرداری، تربیت اولاد صالح است؛ زیرا امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به نیرو و انسان‌هایی نیاز دارد که بتواند با پدیده‌ها و شرایط گوناگون روبه‌رو شود؛ این آمادگی را فرزندان از خانه و با تربیت مهدوی

مادران به دست می‌آورند. بنابراین، زن منتظر باید بداند در عصر غیبت وظیفه تربیت نسل مهدوی را بر عهده دارد.

نسل مهدوی یعنی چه؟

منظورمان از تربیت مهدوی چیست؟ ما باید فرزندانی تربیت کنیم که دو ویژگی داشته باشند. ویژگی اول این است که مهدی‌باور باشند. من (مادر) باید با تربیت دینی فرزندانم و با فضاسازی مناسب در خانه باعث شوم عشق امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در گوشت و پوستشان نفوذ کند. ثانیاً، مهدی‌باور باشند؛ یعنی از نظر علمی، جسمی و عملی آن قدر قوی باشند که حضرت بتواند روی آن‌ها حساب باز کند و آمادگی لازم برای ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف را داشته باشند.

خواهران من! باید خانه‌هایمان را به دژی محکم تبدیل کنیم که جلوی نفوذ شیاطین (رسانه‌های بیگانه و ماهواره) را بگیرد و فرزندانمان، مسیر حق را گم نکنند. چراکه امروز، میدان جنگ وسیع‌تر شده است و علاوه بر اینکه دشمن در فکر حمله نظامی است، از داخل، میدان جنگ را تا پشت دیوارهای خانه‌هایمان آورده و می‌خواهد قلب و ذهن فرزندانمان را تسخیر کند. دشمن با ابزاری به نام ناتوی فرهنگی به ما حمله می‌کند و ما علاوه بر اینکه باید با تقویت تانک و موشک و تجهیزات نظامی آماده دفاع باشیم، خود و فرزندانمان را باید برای مقابله با ناتوی فرهنگی آماده کنیم.

مقام معظم رهبری در تعریف این خطر بزرگ می‌فرمایند: «باندهای بین‌المللی زُروزر که برای تسلط بر منافع ملت‌ها، سازمان نظامی ناتو را تشکیل داده بودند، اکنون برای نابودی هویت ملی جوامع بشری و تحقق بیشتر اهدافشان، در پی تشکیل ناتوی فرهنگی هستند».^۱

در واقع، ناتوی فرهنگی یعنی اتحاد قدرت‌های بزرگ برای اینکه از طریق رسانه‌ها، ریشه‌های دینی و ملی جوانان ما را قطع کنند و از آن‌ها نسلی بی‌هویت بسازند. مادران در این نبرد، فرماندهان اصلی هستند؛ چراکه دشمن دقیقاً ولایت‌مداری را هدف گرفته است.

وقتی به تاریخ نگاه می‌کنیم، با شخصیتی روبه‌رو می‌شویم که می‌تواند بهترین الگو برای مازنان باشد. تاریخ، بزرگ بانویی را به ما نشان می‌دهد که بهترین الگو برای مادران ولایی است. این بانو کسی نیست جز ام‌الادب، مادر ماه بنی‌هاشم، خانم حضرت ام‌البنین علیها السلام. ایشان وقتی فرزندان خود را تربیت می‌کرد، پیش از آنکه درس برادری با امام حسین علیه السلام بدهد، درس ولایت‌مداری و سربازی امام را به آن‌ها آموخت. نتیجه این تربیت، فرزندی مثل قمر بنی‌هاشم علیه السلام شد که در سخت‌ترین لحظات، نسبت به امامش وفادار ماند.

دغدغه مادران

مادری که همیشه دغدغه داری بزرگ‌ترین قدم‌ها را برداری و مؤثرترین کارها را در زندگی‌ات انجام دهی؛ بدان که تربیت صحیح فرزند یکی از مؤثرترین گام‌هایی است که یک زن می‌تواند در زندگی خود بردارد.

یقین داشته باشید که با تربیت صحیح و ولایی فرزندان، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین گام‌ها را برداشته‌اید و به فرموده مولای خود عمل کرده‌اید که می‌فرمایند: «...؛ برای ظهور قائم تلاش کنید».

لشکر صاحب‌الزمان

قبل از اینکه وارد بحث تربیت نسل مهدوی شویم، باید به یک نکته بسیار مهم توجه کنیم که وقتی آقا ظهور می‌کنند، آیا به لشکر نیاز دارند و تنها به همراه آن ۳۱۳ نفر به جنگ با دشمنان و ظلم و فساد می‌روند؟ خیر، برطبق روایات، این ۳۱۳ نفر، فرماندهان لشکر آقائند و این مردم‌اند که لشکر را تشکیل می‌دهند. پس، امام به هزاران هزار یار دیگر برای پیروزی بر دشمن

نیاز خواهند داشت؛ امام باقر علیه السلام نیز می‌فرمایند: «...؛ خداوند آن ۳۱۳ نفر را به ۵۰ هزار نفر تکمیل خواهد کرد».

این ۵۰ هزار نفر از کجا می‌آیند؟ از خانه‌های من و شما. اگر ما فرزند نیاوریم، اگر نسل شیعه زیاد نشود، سربازان این لشکر از کجا تأمین شوند؟!

الان به خاطر تهدید نسلی که صورت گرفته و از طریق عدم ازدواج جوانان یا مسئله تک‌فرزندی نسل شیعه، به خصوص نسل ایرانی کم می‌شود و این زنگ خطر بزرگی برای همه ماست.

بیاید ببینیم اهل بیت علیهم السلام در این باره چه فرموده‌اند. امام صادق علیه السلام جمله‌ای تکان‌دهنده دارند: «مَا يَمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا لَعَلَّ اللَّهَ يَرْزُقَهُ نَسَمَهُ تُثْقَلُ الْأَرْضُ بِلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ چه چیزی مؤمن را از تشکیل خانواده باز می‌دارد؟ شاید خداوند به او فرزندی عطا کند که زمین را با شعار لا اله الا الله پر نماید». شاید آن سربازی که قرار است در رکاب امام‌زمان باشد، فرزند ما باشد؛ چرا این فیض را از خودمان دریغ کنیم؟!

وجود نازنین رسول‌مهربانی صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «أَطْلُبُوا الْوَلَدَ وَ التَّمِسُوهُ فَإِنَّهُ قُرَّةُ الْعَيْنِ وَ رِيحَانَةُ الْقَلْبِ؛ فرزند بخواهید و آن را طلب کنید؛ چراکه مایه روشنی چشم و شادی قلب است».

خانه شما، پادگان امام‌زمان است و شما فرماندهان این پادگانید. مبادا تحت تأثیر حرف‌های دنیایی قرار بگیریم که «بچه دردسر است». هر فرزند صالحی که شما به دنیا می‌آورید و با محبت اهل بیت علیهم السلام شیر می‌دهید، یک سرباز ذخیره برای حجت خداست.

نگذاریم امام‌زمانمان، همانند جد غریبش امام حسین علیه السلام در صحرای کربلا، آنجا که «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يُنْصُرُنِي» گفت، بی‌یار بماند. امروز، امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف منتظر است تا سربازانش را زیاد کنیم و آن‌ها را مهدوی تربیت نماییم.

نسل‌کشی مدرن

متأسفانه در این جامعه منتظر ظهور می‌بینیم که برخی از مادران علاوه بر ممانعت از فرزندآوری، اگر خداوند فرزندی به آن‌ها عطا کند، قبل از تولد او را سقط می‌کنند. صحبت درباره این مسئله، بسیار سخت است. مگر می‌شود یک مادر دل از فرزندش بگند؟! مگر می‌شود یک مادر با دست خود، فرزندش را از داشتن زندگی محروم کند؟! مگر می‌شود مادری مانع نفس کشیدن پاره تنش شود؟! مگر می‌شود مادر، قاتل فرزندش باشد؟!

متأسفانه، این مادران دلایل زیادی برای خود می‌تراشند که هیچ‌کدام قابل قبول نیست. اگر مسائل مادی را بهانه می‌کنند، در پاسخ باید بگوییم: «هرآن‌کس که دندان دهد، نان دهد». عزیز من! خداوند در قرآن می‌فرماید: **«وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا»** هرگز فرزندان خود را از ترس فقر به قتل مرسانید، که ما رازق آن‌ها و شما هستیم؛ زیرا این قتل فرزندان بسیار گناه بزرگی است.^۱ طبق تفاسیر، این آیه شامل سقط جنین هم می‌شود.

عده‌ای دیگر، بهانه می‌کنند که این فقط یک توده هست و انسان نیست که با ازبین بردن آن مرتکب قتل شوم. برای این دسته از مادران باید این حدیث پیامبر ﷺ را نقل کنیم که فرمودند: «إِنَّ أَحَدَكُمْ يَجْمَعُ خَلْقَهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا نُطْفَةً، ثُمَّ يَكُونُ عَلَقَةً مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يَكُونُ مُضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يُرْسَلُ إِلَيْهِ الْمَلَكُ فَيَنْفُخُ فِيهِ الرُّوحَ؛ نطفه هریک از شما مدت چهل شبانه روز در رحم مادر جمع می‌شود، سپس به شکل خون بسته (علقه) درمی‌آید، سپس به پاره گوشتی (مضغه) تبدیل می‌شود؛ آن موقع فرشته فرستاده می‌شود و در آن روح دمیده می‌شود».

مادر عزیزی که خداوند تو را برای تربیت بنده‌ای از بندگان‌ش انتخاب کرده است، مولایت علی علیه السلام کشتن کسی که جرمی مرتکب نشده را بدترین گناه می‌داند. تو با این کار، حق زندگی و انتخاب را از فرزندت می‌گیری و او را بی‌گناه می‌کشی.

برخی از ما ادعا می‌کنیم محب مولایمان هستیم و میلادش را جشن می‌گیریم، ولی باوجود این همه سفارش، فرزندان را سقط می‌کنیم؛ کسی که شاید بتواند یکی از یاران مهم آقا باشد را از بین می‌بریم و لشکر صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را از داشتن سربازان بی‌شمار محروم می‌کنیم.

نقشه شوم برژینسکی برای خانه‌های ما

خواهران عزیزم! به این نکته دقت کنید! امروز، ایران تنها کشوری است که پرچم حاکمیت شیعه و نام مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را بلند کرده است. دشمن می‌داند برای تضعیف این جایگاه، نباید فقط به توپ و تانک متوسل شود. او از جمعیت زیاد شیعه می‌ترسد و می‌داند کشوری که می‌خواهد زمینه‌ساز ظهور باشد، باید پرجمعیت شود.

عزیزان من! بیدار باشید! دشمن برای خلوت شدن خانه‌های ما نقشه کشیده است. «برژینسکی»، آن سیاست‌مدار پیر و کهنه‌کار آمریکایی، سال‌ها پیش جمله‌ای گفت که باید آویزه و گوشواره گوشمان کنیم. او به سران آمریکا گفت: «از فکر حمله پیش‌دستانه علیه تأسیسات هسته‌ای ایران بپرهیزید و گفت و گوها با تهران را حفظ کنید. بالاتر از همه، بازی طولانی مدتی را انجام دهید؛ چون زمان و آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست».

ببینید دشمن به کجا امید بسته؟! به بهانه‌های من و شما! به اینکه ما بگوییم: «حوصله بچه نداریم»، «یکی بس است» یا «شرایط سخت است». آن‌ها می‌خواهند با دست خودمان، نسل مهدوی را کم کنیم تا فردا روزی، ایران مقتدرمان ضعیف شود و دیگر رمقی برای ایستادگی نداشته باشد.

نباید اجازه دهیم دشمن با این کلمات و القای ناامیدی، ما را از این جهاد بزرگ منصرف نماید.

آثار تربیت نسل مهدوی

شاید برای شما سؤال شده باشد که تربیت فرزند مهدوی، چه سود و منفعتی برای ما دارد؟ عزیزان! حرف برای گفتن زیاد است، اما فقط به چند مورد مهم از فواید این سبک تربیتی اشاره می‌کنم.

۱. توانایی در تشخیص حق از باطل

زمان ظهور، زمان آشکار شدن حق و فتنه‌ها است. فرزندی که با معرفت امام، بصیرت دینی و قدرت تحلیل رشد کرده باشد، حق را می‌شناسد و در جبههٔ مخالف حق قرار نمی‌گیرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «...؛ هرآینه پس از من فتنه‌هایی همچون پاره‌های شب تار، اتمم را فرا پوشاند، چندان که آدمی بر اثر آن‌ها شب مؤمن باشد و روز کافر، روز مؤمن باشد و شب کافر. مردمانی دین خود را به اندک متاعی از دنیا می‌فروشند».

فتنه‌های آخرالزمان، قابل تشخیص نیستند؛ فقط کسانی راه را پیدا می‌کنند که بصیرت داشته باشند. حتی برخی در زمان ظهور، گمان می‌کنند برحق‌اند و با امام دشمنی می‌کنند.

در قضیهٔ «مهسا امینی» عدهٔ بسیاری واقعیت را نمی‌دانستند. درست است که همهٔ ما از فوت دختر عزیزمان ناراحتیم، ولی این فتنه‌ای از طرف دشمنان بود که خیلی‌ها دچار اشتباه شدند. آن‌ها راه درست را گم کردند و در مقابل نظام ایستادند، چون بصیرت کافی نداشتند و نقشهٔ دشمن را تشخیص ندادند. پس مادر عزیز! اگر فرزندت را با بصیرت تربیت کنی، در زمان ظهور می‌تواند حق را از باطل تشخیص دهد و گرفتار فتنه نخواهد شد.

۲. تقویت هویت دینی نسل آینده

عزیزان! اکنون باگذشت چند دهه از انقلاب، با نسلی روبه‌رو هستیم که رویدادهای مهم تاریخ این انقلاب را ندیده است. این نسل، در این جهان که با انواع هویت‌های بیگانه روبه‌روست، باید هویت اصلی و مسیرش را پیدا کند؛ جهانی که ارزش‌ها در میانشان کمرنگ شده و برخی ضدارزش‌ها جای ارزش‌ها را گرفته است. جوان من و تو، برای اینکه خود را به آن‌ها برساند، مانند آن‌ها لباس می‌پوشد و حرکات و رفتار آن‌ها را تقلید می‌کند تا برای خودش هویتی پیدا کند؛ ولی او جذب مُد جدیدی می‌شود و اینجاست که سردرگم خواهد شد که کدام یک درست است.

مادر عزیز! این شما هستید که برای نجات فرزندانمان از سردرگمی، باید به ترویج صحیح مفاهیم اصیل دینی در نسل جدید بپردازید و به آن‌ها هویت دینی بدهید.

اصول تربیتی نسل مهدوی

مادران گرامی! اگر در تربیت نسل مهدوی کوتاهی کنیم، این کوتاهی فقط متوجه فرزندان ما نیست، بلکه مسئولیتی است که باید در پیشگاه خداوند پاسخ‌گو باشیم. در آیات و روایات، راه‌های بسیاری برای تربیت نسل منتظر وجود دارد. امروز بر سه اصل محوری تمرکز می‌کنیم که اگر پیاده شوند، مسیر درستی را در تربیت پیموده‌ایم.

اصل اول: بندگی خدا و تقویت ایمان

اولین قدم این است که فرزندانمان را طوری بار بیاوریم که پیش از هرچیز، عبد و بنده خدا باشد. کسی که به مقام بندگی رسید، به صورت خودکار در مسیر ولایت قرار می‌گیرد. اما چگونه ریشه ایمان را در دل فرزندان محکم کنیم؟

والدین در گام اول موظفند فرزندانمان را با معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) و مفاهیم قرآنی آشنا کنند. دین ما توصیه می‌کند در بدو تولد، در گوش راست نوزاد،

اذان و در گوش چپ او اقامه بگویید؛ این یعنی بستر بندگی باید از همان لحظهٔ اول فراهم شود تا گوش فرزند جز حرف حق و نورانی نشنود. همچنین، می‌توانید روزی پنج دقیقه جلوی فرزندانتان قرآن بخوانید، یا زمان خواب برای آن‌ها از داستان‌های اهل بیت علیهم‌السلام بگویید.

نکتهٔ بعد که ما مادران باید به آن توجه کنیم، لقمهٔ حلال و طیب است. علاوه بر اینکه به حلال بودن غذای داخل منزل توجه داریم، سعی کنیم با افرادی رفت‌وآمد کنیم که آن‌ها نیز چنین دقتی در حلال بودن غذاهایشان دارند.

مادر شهید بهشتی در زمان بارداری ایشان، هر ۹ ماه ختم قرآن داشتند و هر جا غذا نمی‌خوردند، هر جا رفت‌وآمد نمی‌کردند و در حین شیردادن به نوزاد، روبه‌قبله و با وضو بودند.

از مادر شیخ انصاری رحمه‌الله پرسیدند چگونه فرزندى تربیت کردی که فقه شیعه بر پایهٔ اندیشهٔ اوست؟ ایشان فرمودند: «من در دوران بارداری، حتی از لقمهٔ شبهه‌ناک پرهیز می‌کردم و هیچ‌گاه بدون وضو به فرزندم شیر ندادم». این است ثمرهٔ تقوای مادر!

اگر می‌خواهیم فرزندان مهدوی باشد، باید فضای خانه را از آلودگی‌هایی نظیر غیبت، دروغ و موسیقی‌های حرام پاک کنیم. خانمی که پشت تلفن به راحتی دروغ می‌گوید و غیبت می‌کند، چگونه می‌تواند فرزند مؤمنی که یار امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف باشد، تربیت کند.

یک راه دیگر برای بیمه‌کردن ایمان فرزندانمان این است که آن‌ها را در کنار انسان‌های باایمان قرار دهیم. در قدیم، سفره‌های روضه و دورهمی‌های مذهبی زنانه برکت داشت؛ چشم کودک در همان فضای صمیمی، به چهرهٔ نورانی پیرغلام‌ها و مادران مؤمن می‌افتاد و از آن‌ها الگو می‌گرفت. امروز هم باید فرزندانمان را با مساجد و محیط‌های مذهبی، مثل روضه‌های خانگی آشنا کنیم.

خواهرهای گلم! گاهی لازم است آگاهانه مدیریت کنیم و کودکانمان را جایی ببریم که انسان‌هایی از جنس خدا حضور دارند. دیدن فردی که هنگام اذان، با اشتیاق به سمت نماز می‌رود، صدها برابر بیش از سخنان و سفارش‌های ما اثر می‌گذارد. پس برای فرزندان محیط با ایمان پیدا کنیم! خانه‌ای که در آن خدا یاد می‌شود، ایمان فرزند ما را هم تقویت می‌کند.

اصل دوم: کیمیای محبت و پیوند عاطفی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

پس از آنکه ایمان را در وجود فرزندانمان تقویت کردیم، نوبت به گام دوم می‌رسد؛ گامی که ریشه همه خوبی‌هاست: «ایجاد محبت و پیوند قلبی با حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف».

باید بدانیم که تربیت مهدوی تنها در آموزش خشک احکام خلاصه نمی‌شود. محبت، قوی‌ترین ابزار تربیتی است. خداوند متعال در آیه ۲۳ سوره مبارکه شوری، پاداش رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را تنها یک چیز معرفی می‌فرماید: **﴿إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾**؛ یعنی محبت به اهل بیت علیهم السلام. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز کلامی دارند که جان را تازه می‌کند؛ ایشان می‌فرمایند: «مَنْ أَحَبَّنَا كَانَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَبْرًا لَحَشَرَهُ اللَّهُ مَعَهُ؛ ...» یعنی اگر فرزند من و شما با عشق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بزرگ شود، طبق کلام امام، در شمار همین خانواده قرار می‌گیرد.

خواهران من! چرا فرزندان ما امام حسین علیه السلام را به خوبی نمی‌شناسند؟ چون از نوزادی با روضه و اشک مادر برای سیدالشهدا خو گرفته‌اند. اما برای امام زنده چه کرده‌ایم؟!

شما خانم عزیز که با شنیدن نام امام حسین علیه السلام اشک‌هایت جاری می‌شود، بدان که همه این‌ها به خاطر این است که مادری شما را در روضه‌های اباعبدالله بزرگ کرده است. الان هم توجه داشته باشید فرزندان پیش از آنکه به گفتار ما توجه کند، به کردارمان می‌نگرد. وقتی او می‌بیند که مادرش

در پایان هر نماز با چه شوقی دعای فرج می‌خواند، یا هنگام شنیدن نام حضرت، با احترام برمی‌خیزد، بذر محبت در دلش کاشته می‌شود.

یاد حضرت نباید تنها به نیمه شعبان محدود شود. وقتی می‌خواهید صدقه بدهید، به فرزندان بگویید: «بیا این سکه را به نیت سلامتی پدر مهربانمان، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در صندوق ببنداز». این اقدامات کوچک، محبت امام را در دل کودک بیشتر می‌کند.

متأسفانه، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تنها با قدرت و شمشیر معرفی شده‌اند؛ درحالی‌که ایشان طبق احادیث، انیس، رفیق و پدر دل‌سوز امت هستند. به فرزندان بیاموزید که امام، بیش از هرکسی نگران ماست و برای ما دعا می‌کند. به او یاد بدهید قبل از خواب، دقایقی با امام خویش خلوت کرده و درددل کند. این نخواستارهای شبانه معجزه می‌کند و به فرزند می‌آموزد که در سختی‌های زندگی، یک پناه بزرگ دارد که همیشه شنونده اوست.

حتی دیوارهای خانه هم باید با فرزند حرف بزنند! گوشه‌ای از خانه را به عنوان قرارگاه بندگی، با سجاده‌ای زیبا، نام حضرت و کتاب‌های داستانی مهدوی آراسته کنید. وقتی چشم فرزند مدام به این نشانه‌ها بیفتد، محبت امام در گوشت و خون او ریشه می‌دواند.

بیایید از حالت شعار خارج شویم. چه اشکالی دارد برای نیمه شعبان یا آغاز ولایت حضرت، در خانه بهترین لباس را بپوشیم، چراغانی کنیم و به بچه‌ها عیدی بدهیم؟ بگذارید خاطره شیرین عیدی‌گرفتن با نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ذهن کودکان حک شود. در روز نیمه شعبان، همراه با فرزندانمان در جشن‌ها شرکت داشته باشیم؛ حتی آن‌ها را تشویق کنیم که در این جشن‌ها گوشه‌ای از کار، مثل پخش شیرینی، شربت و... را در دست بگیرند.

به فرزندان یاد بده قبل از خواب، دو دقیقه زیر لب با امامش حرف بزند و بگوید: «آقا جان! امروز این کار خوب را انجام دادم. بزرگ‌تر من تو هستی،

کمکم کن». این درد دل کردن ها معجزه می کند و فرزند یاد می گیرد که یک پناه بزرگ دارد.

اصل سوم: بصیرت و دشمن شناسی

خواهران بزرگوار! امروز معنای انتظار تغییر کرده است. ما در دورانی هستیم که جنگ علیه اعتقادات ما، از خاکریزهای مرزی به داخل خانه ها و گوشی های تلفن همراه کشیده شده است.

بصیرت یعنی بدانیم امروز دشمن با چه نقشه ای به سراغ نسل مهدوی ما آمده است. بصیرت یعنی بدانیم اگر حیا از دختر من و غیرت از پسر من گرفته شود، دیگر لشکری برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه باقی نمی ماند. دشمن می خواهد گناه در نظر فرزند تو کوچک جلوه کند. مادر بصیر کسی است که وقتی می بیند فضای مجازی دارد اعتقاد فرزندش را می گیرد، سکوت نمی کند. باید بایستیم؛ باید با محبت و منطق، رفیق فرزندان باشیم تا رفیق ناباب فضای مجازی، جای ما را نگیرد.

عزیزان! امروز در یک جنگ ترکیبی اقتصادی، شناختی و نظامی هستیم. یکی از ابزارهای اصلی دشمن برای ناامید کردن مردم، فشار اقتصادی و تحریم است. آن ها می خواهند با تنگنای معیشتی، سفره مردم را بهانه ای برای دوری از آرمان های مهدوی قرار دهند. بصیرت اقتصادی یعنی قناعت، مدیریت مصرف و حمایت از تولید خودی. ما مادران در تدبیر منزل نقش اول را داریم. نباید اجازه دهیم سبک زندگی تجملاتی و مصرف گرایی غربی که هدفش وابسته کردن ماست، در خانه هایمان رخنه کند. اقتصاد مقاومتی در خانه، یعنی تربیت فرزندی که در سختی ها صبور است و دینش را به نان نمی فروشد.

دشمنان با صرف هزینه های میلیاردی و به خط کردن رسانه های اجیر شده، به دنبال آن هستند که جوان ایرانی را نسبت به داشته های خود بدبین

نمایند و او را نسبت به آینده ناامید کنند. طراحی آن‌ها ساده است؛ ایجاد دوقطبی، به‌آشوب‌کشیدن خیابان‌ها و در نهایت، تجزیه ایران عزیز. آن‌ها نه به دنبال حقوق زن هستند و نه زندگی مردم؛ هدف آن‌ها گرفتن حیا از دختران و غیرت از پسران ماست تا لشکریان امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را پیش از ظهور زمین‌گیر کنند.

بسیاری از جوانانی که در این مسیر دچار خطا شدند، فرزندان همین آب‌و‌خاک و هیئت‌ها هستند که در محاصره تبلیغاتی دشمن، حقیقت را گم کرده‌اند. پشیمانی امروز بسیاری از آن‌ها نشان داد که دشمن در محاسباتش اشتباه کرده است؛ اما این پشیمانی باید با تبیین ما همراه شود.

در این شرایط، وظیفه ما به عنوان مادر و مربی سنگین‌تر است. ما باید به فرزندانمان بیاموزیم که هر خبر و تصویری در فضای مجازی، تیری است که شاید از چله کمان دشمن رها شده باشد و بدون تحقیق و اطمینان از درستی آن نباید آن را باور کرد. اگر ما در خانه، گوش شنوای فرزندانمان نباشیم، گرگ‌های رسانه‌ای در فضای مجازی برای آن‌ها دل‌سوزی کاذب خواهند کرد. باید با محبت مهدوی، آن‌ها را از دام تنهایی و ناآگاهی نجات دهیم.

باید به جوانمان بگوییم چگونه همان کسانی که دارو را بر بیماران ما تحریم کردند، امروز مدعی آزادی و زندگی برای آن‌ها شده‌اند؟! هر خانه‌ای که در آن بصیرت جاری باشد، یک سنگر تسخیرناپذیر برای اسلام است. تربیت فرزندی که بتواند پشت نقاب فریبنده دشمن، چهره یزیدیان زمان را تشخیص دهد، بزرگ‌ترین خدمت به امر ظهور است. اجازه ندهیم دشمن با ابزار چهل و ناآگاهی، سربازان آینده مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را شکار کند.

در آن روزهای سخت، شهدای مظلوم امنیت، همان جوانان دهه هفتادی و هشتادی مثل آرمان علی‌وردی‌ها و روح‌الله عجمیان‌ها بودند که ثابت کردند مکتب سلیمانی همچنان زنده است. آن‌ها شکنجه شدند و مظلومانه

به شهادت رسیدند، اما لب تر نکردند؛ تا مبادا چادر از سر زنان این سرزمین کشیده شود. مظلومیت این شهدا، بزرگ‌ترین گواه بر باطل بودن مسیری است که دشمن طراحی کرده بود. خون این پاک‌باختگان، باطل‌السرحر فتنه‌های پیچیده است.

عزیزان! حدود یک ماه پیش دیدید که افراد تروریست و مزدوران، از اعتراض به حق مردم نسبت به مشکلات معیشتی و گرانی‌ها سوءاستفاده کردند، باعث ناامنی مملکت شدند، خسارات زیادی به کشور و ملت وارد کردند و خون افراد بی‌گناه را ریختند. متأسفانه تعدادی از جوانان و نوجوانان ما نیز از روی ناآگاهی در دام این عناصر افتادند.

وظیفه ما مادران این است که نوجوانانمان را آگاه و هوشیار کنیم. یکی از راه‌ها این است که آن‌ها را در معرض مطالعه تاریخ ایران، مخصوصاً ۱۰۰ سال اخیر قرار دهیم. هم خودمان مطالعه کنیم و هم کتاب‌های تاریخی در این زمینه تهیه کرده و در اختیار فرزندانمان قرار دهیم. یکی از این‌ها، کتاب «دکل» است که با استفاده از بیانیه گام دوم انقلاب، به بسیاری از سؤالات و شبهات موجود در ذهن نوجوانان، در قالب داستان پاسخ می‌دهد.

بیاوید از همین امروز، نه با شعار، بلکه با قدم‌های کوچک و عملی، عهد ببندیم که خانه‌هایمان را به پناهگاهی امن برای ایمان فرزندانمان تبدیل کنیم. محبت امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف همان ریشه محکمی است که اگر در جان کودک نشست، هیچ طوفانی در آینده نمی‌تواند او را از پا درآورد.

ان شاء الله تک‌تک فرزندان ما، مایه روشنی چشم حضرت زهرا علیها السلام و از یاوران مخلص و مقتدر فرزندش مهدی علیه السلام باشند و ما نیز سهمی در این جهاد بزرگ تربیتی داشته باشیم.